

راز همه رازها

نگاهی اجمالی به ادعاهای یهودیان
در مورد هولوکاست و سودهایی که از آن می‌برند

راز همه رازها^۱

نگاهی اجمالی به ادعاهای یهودیان در مورد هولوکاست و سودهایی که از آن می‌برند

○ سیدمجتبی عزیزی

۳۳

اشاره

هولوکاست علی‌رغم شهرت بیش از اندازه آن و شدت تبلیغاتی که برای واقعی جلوه دادن صورت می‌گیرد، پدیده‌ای غامض شده است. کثرت ادعاهای متناقض و متعارض یهودیان در این باره به حدی است که جز یکی دو موضوع بسیار کلی (و آن هم مناقشه‌پذیر) هیچ وجه مشترک دیگری میان کل این ادعاها دیده نمی‌شود. در مورد هر واقعه مرتبط با این امر، مثلاً در مورد تعداد کشته شدگان یهودی در هر مکانی تعارضات شدیدی در میان حامیان هولوکاست دیده می‌شود. برای نمونه در مورد اردوگاه مایدانک^۲ ادعاهای یهودیان از بیش از یک میلیون نفر تا کمتر از پنجاه هزار نفر متغیر است.^۳

از این رو مقاله حاضر می‌کوشد ابتدا با مروری بر بخشهای مهم تر ادعاهای یهودیان در مورد هولوکاست، قدر مشترکی از همه این ادعاهای متعارض ارائه کند و آن گاه به سودهایی بپردازد که یهودیان و صهیونیستها از افسانه هولوکاست می‌برند. در بخش دوم و در بررسی این منافع، تلاش بر ارائه تصویری جامع از آن سودهای مختلف است. از این رو با تقسیم بندیهای چندگانه و از ابعاد مختلف به این موضوع پرداخته می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مجله مطالعات انسانی

بخش اول: ادعاهای یهودیان

در این بخش می‌کوشیم تا صورت‌بندی به نسبت جامعی از ادعاهای یهودیان در مورد هولوکاست ارائه کنیم. از آنجا که تناقض‌گویی در مورد هولوکاست در میان حامیان آن فراوان است، امکان ارائه این ادعا به صورت گزاره‌ای ساده که در آن به عنوان مثال ذکر شود: «شش میلیون یهودی در جنگ جهانی دوم توسط آلمان هیتلری کشته شدند.» ممکن نیست، چرا که این گزاره کلی فاقد همه جنبه‌های ادعاهای یهودیان است.^۴ از این رو ادعاهای یهودیان در مورد هولوکاست را از جهات زیر مورد توجه و جمع‌بندی قرار داده ایم:

علل کشتارها

یهودیان حامی هولوکاست مدعی هستند که علت اصلی کشتارهای مورد ادعای آنها «یهودستیزی»^۵ یا به اصطلاح «تنفر بی‌دلیل و بی‌منطق از یهود» بوده است. به این ترتیب علت کشته شدن بیش از شش میلیون یهودی - به ادعای اینان - در طول جنگ جهانی دوم و به دست آلمان نازی این بوده است که هیتلر و حامیانش از یهودیان متنفر بوده «ضدیهودی» محسوب می‌شده‌اند.^۶ حامیان هولوکاست، «یهودستیزی» را امری ریشه‌دار در اروپا و به طور کلی تاریخ بشر می‌دانند و مدعی‌اند که در طول تاریخ بشری قوم یهود همواره مورد دشمنی و کینه غیریهودیان بوده است.

چنان که در آینده خواهیم دید، قایل شدن به چنین مبنایی درباره این کشتارهای ادعایی، دستاویزهای فراوانی برای حامیان هولوکاست و یهودیان صهیونیست ایجاد می‌کند تا از این طریق به سودجویی و منفعت‌طلبی دست یازند. به عبارت بهتر اگر چنان که محققان «مکتب تاریخ حقیقی»^۷ معتقدند، علت اصلی حساسیت دولت آلمان در دوران جنگ نسبت به یهودیان در اثر جاسوسی و حمایت یهودیان از دشمنان آلمان بوده باشد و مضیقه‌ها و محدودیتهای ایجاد شده توسط آلمان برای یهودیان - و نه کشتار جمعی آنها - به همین علت صورت گرفته باشد، راه برای بسیاری از سودجوییهای یهودیان از این امر بسته می‌شود و حربه «یهودستیزی» که با کارایی فراوان آن برای جوامع یهودی - صهیونیست آشنا خواهیم شد، کند خواهد شد.

به عنوان مثال دانیل گلدهیگن مدعی است که یهودستیزی که هولوکاست بر مبنای آن استوار است اساساً برخاسته از ارزیابی عینی و بی‌غرض اعمال یهودیان نیست و مستقل از طبیعت و اعمال یهودیان است و همواره امری غیرمنطقی به شمار می‌آید.^۸ این در حالی است که محققان مکتب تاریخ حقیقی معتقدند که «در طول جنگ جهانی دوم، یهودیان دشمن دولت آلمان و خطر بالقوه‌ای برای فعالیتهای جنگی این کشور محسوب می‌شدند، همان‌طور که در ایالات متحده

امریکا، آلمانها، ایتالیاییها و ژاپنیها دشمن محسوب می‌شدند. بنابراین یهودیان از برخی حقوق اجتماعی محروم و مجبور به زندگی در گتوها^۹ و کار اجباری می‌شدند... که البته این امر هرگز بر اساس برنامه‌ای برای کشتار جمعی یهودیان نبوده است.^{۱۰}

میزان کشتارها

ادعاها در مورد تعداد یهودیان کشته شده در جنگ جهانی دوم همواره به یک میزان نبوده. به طور کلی می‌توان گفت که تعداد یهودیان کشته شده در جنگ به یک معمای عددی از سوی حامیان هولوکاست تبدیل شده است.^{۱۱} روزگاری حامیان هولوکاست مدعی بودند که فقط نه میلیون یهودی در اردوگاه آشویتس^{۱۲} کشته شده‌اند و در فیلم تبلیغاتی و تأثیرگذار «شب و مه»^{۱۳} که از سوی مقامات ارتش آمریکا ساخته شده بود آشویتس آرامگاه نه میلیون یهودی بی‌گناه (!) خوانده می‌شود. اما اکنون تعداد کشته‌های آشویتس آن هم بر اساس تخمین و ادعاهای حامیان هولوکاست به کمتر از پانصد هزار نفر کاهش یافته است.^{۱۴}

در طول سالها و دهه‌های گذشته حامیان هولوکاست رفته رفته بر روی عدد شش میلیون کشته در جنگ جهانی دوم توافق نموده‌اند.^{۱۵} (هر چند که هنوز در تعداد کشته‌های هر اردوگاه به شدت با یکدیگر اختلاف دارند و معلوم نیست که بر چه اساسی و مطابق کدام جمع‌بندی عدد شش میلیون برای کل یهودیان تعیین شده است) به طوری که این عدد به یک سمبل مقدس مبدل شده است و زیر سؤال بردن آن به منزله جرمی نابخشودنی است و اهانت به خاطره یهودیان و بازماندگان آنان در بسیاری از کشورها مجازات به همراه دارد.

جالب آنکه حتی وقتی در سال ۱۹۹۰ موزه ملی آشویتس رسماً ادعای تبلیغاتی کشته شدن چهار میلیون یهودی در این اردوگاه را پس گرفت و به طور رسمی آن را به ۱/۵ میلیون کاهش داد، چیزی از تعداد کل یهودیان کشته شده مورد ادعا کاسته نشد و هنوز عدد شش میلیون مورد حمایت حامیان هولوکاست است.^{۱۶} در حالی که حامیان هولوکاست، اگر عدد شش میلیون را از جمع زدن کشته‌های اردوگاهها به دست آورده بودند، اکنون باید مدعی ۳/۵ میلیون کشته می‌بودند. نکته مهم‌تر آنکه یکی از محققان حامی هولوکاست در سال ۲۰۰۲ حداکثر کشته‌های یهودی در این اردوگاه را پانصد هزار نفر اعلام کرد. در حالی که او خود معترف است که این تعداد را بر اساس شهادت شاهدان یهودی و نه بر اساس اسناد تخمین زده است.^{۱۷}

نحوه کشتارها

اکثر تبلیغات صورت گرفته در مورد هولوکاست، همان‌طور که از نام‌گذاری این امر نیز

مشخص است به روش (روشهای) مورد ادعای یهودیان در مورد کشتارها باز می گردد. حامیان هولوکاست مدعی اند که نازیها در جنگ جهانی دوم از سه طریق عمدتاً به کشتار یهودیان می پرداختند. این روشها به ترتیب اهمیت عبارت اند از:

۱- اتاق گاز و کوره آدم سوزی

یهودیان مدعی هستند که آلمان هیتلری از اتاقهایی مجهز به سیستم ورودی ویژه گازهای سمی و خفه کننده برای از میان بردن یهودیان استفاده می کردند. مطابق این ادعا یهودیان ابتدا در اتاق رختکن کاملاً برهنه می شده اند، سپس موهای زنان نیز کاملاً کوتاه (و برای استفاده به آلمان فرستاده) می شد و پس از آن در اتاق گاز همه آنها کشته می شدند. آن گاه جسد آنها را در کوره های آدم سوزی و یا در فضای آزاد می سوزاندند.^{۱۸} مطابق این ادعاها، آلمانیها در اردوگاههای تربلینکا^{۱۹} و بلزک^{۲۰} از گاز آگزوز ماشین و در اردوگاههای آشویتس و... از گاز بسیار سمی و کشنده زیکلون ب بهره می بردند.

اما اکنون همگان پذیرفته اند که در اردوگاههای غربی (در سرزمین اصلی آلمان) هیچ اتاق گازی وجود نداشته حتی حامیان هولوکاست پذیرفته اند که ادعاهای قبلی آنها درباره این اردوگاهها نادرست بوده است. اما در اردوگاههای شرقی (خارج از خاک اصلی آلمان) نیز آن گونه که محققان چون فوریسون، ماتوینو، بوتز و... نشان داده اند هیچ اتاق گازی وجود نداشته است و آنچه به عنوان اتاق گاز در اردوگاههایی مانند آشویتس به نمایش گذاشته می شود به لحاظ فنی برای چنین کاری کاملاً ناکارآمد بوده است که واضح ترین دلیل آن عدم وجود حفره ای در سقف این بناها برای ورود گاز خفه کننده و سمی زیکلون ب می باشد.^{۲۱}

آنچه بیشتر جلب توجه می کند اینکه یهودیان مدعی شده اند که برای سوزاندن اجساد در این روش از چربی بدن خود انسانها به ویژه اجساد زنان استفاده می شد و این اجساد چنان سوزانده می شدند که به خاکستر بدل می گردیدند. حال آنکه بررسیهای فنی حاکی از محال بودن چنین چشم بندیایی است.^{۲۲}

۲- تیرباران جمعی

حامیان هولوکاست پیش از این مدعی بودند که از روش تیرباران جمعی یا به اصطلاح روش «گلوله» برای کشتار یهودیان، بویژه در نزدیکی جبهه جنگ آلمان - روسیه استفاده می شده است، اما از آنجا که هیچ گور جمعی یا مکان دیگری وجود ندارد که بتوان در آن به تعدادی از اجساد این کشتارهای ادعایی بسیار بسیار گسترده دست یافت، این ادعا رفته رفته از اعتبار ساقط

شد و هر چند یهودیان در تبلیغات غیرمستقیم خود بر آن تکیه می کنند، ولی به طور مستقیم چنین ادعای پوچی را مطرح نمی کنند.

۳- کار اجباری و کشنده

در حالی که ادعای کشتار یهودیان به روش تیرباران جمعی قبلاً مطرح بوده و امروز کنار گذاشته شده است، ادعای کشتار از طریق کار اجباری کاملاً برعکس است و قبلاً مطرح نبوده و صرفاً پس از طرح روشهای جدید گرامت گیری مطرح شده است. نورمن جی. فینکلشتاین، یهودی حامی هولوکاست، در کتاب صنعت هولوکاست^{۲۳} به صراحت ذکر می کند که طرح این روش به عنوان یکی از روشهای کشتار یهودیان هنگامی مطرح شد که مؤسسات صهیونیستی - یهودی در دهه آخر قرن بیستم به این فکر افتادند که از این طریق گرامتهای جدیدی را بر آلمان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی تحمیل کنند. از این طریق یهودیان صهیونیست مدعی شدند که این دولتها باید گرامت کار اجباری و کشنده ای را بپردازند که یهودیان در طول جنگ انجام داده اند و مجمع مطالبات مالی یهودیان^{۲۴} رسماً اعلام کرد که «کار سخت اجباری یکی از سه شیوه اصلی به کار گرفته شده از سوی نازیها برای از بین بردن یهودیان به شمار می رود.»^{۲۵}

جالب توجه آنکه این ادعا حداقل پنجاه سال پس از زمان حادثه اصلی مورد ادعا خلق می شود و علت اصلی طراحی این ادعا نیز کسب گرامتهای بیشتر از اروپاییهاست.

در دهه های اولیه پس از جنگ جهانی دوم و بویژه در طول دادگاههای رسیدگی به جنایات جنگی، بسیاری از این شاهدان به ظاهر عینی واقعه هولوکاست شهادتهایی تکان دهنده در مورد جنایات آلمان نازی مطرح کردند که امروزه دروغ بودن و بطلان همه آنها آشکار شده است. به عنوان مثال این شاهدان مدعی شدند که آلمانیها از چربی اجساد یهودیان صابون درست می کردند و از پوست آنها حباب لامپ می ساختند و... حتی دادستانهای متفقین نیز نه تنها این شهادتهای دروغین را زیر سؤال نمی بردند، بلکه برای آنها شواهدی ساختگی دست و پا می کردند.^{۲۶} شدت تبلیغات صورت گرفته روی این موضوع به حدی بود که بسیاری از محققان و استادان مشهور دانشگاههای معتبر دنیا نیز این ادعاها را باور کرده بودند^{۲۷}، اما با گذشت زمان، غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد بودن این داستانها فاش گردید به حدی که یهودا بائر^{۲۸} رئیس مرکز مطالعات هولوکاست در دانشگاه عبری تل آویو در سال ۱۹۹۰ اعلام کرد که «نازیها هرگز از یهودیان صابون نساخته اند...»^{۲۹}

این ادعاها امروزه در سطح علمی هرگز تکرار نمی شود، چرا که نادرست بودن آنها به وضوح اثبات شده است؛ اما در برنامه های تبلیغاتی و به صورت غیرمستقیم باز هم در افکار عمومی

مردم جهان وارد می شود. به عنوان مثال در فیلم سینمایی تبلیغاتی «زندگی زیباست»^{۳۰} که با همین هدف ساخته شده است به نحو غیرمستقیم چنین نمایش داده می شود که از چربی بدن یهودیان کشته شده صابون تولید می شود.

مقصرین کشتارها

اولین و مهم ترین مقصر این کشتارهای ادعایی از نظر یهودیان حامی هولوکاست، دولت ناسیونال سوسیالیست (نازی) آلمان بوده است و مدعی اند که آلمانیها عمداً و با برنامه ریزی دست به کشتار جمعی یهودیان زده اند.^{۳۱} بنابراین از نگاه حامیان هولوکاست و مطابق ادعای آنان آلمان هیتلری مقصر اصلی این کشتار است. آنان حتی پا را از این نیز فراتر می گذارند و می گویند ملت آلمان نیز به عنوان مقصرین این گناه ادعایی شناخته می شوند، زیرا آنان نیز از اقدامات هیتلر حمایت کرده اند، پس هولوکاست گناه جمعی برای کل ملت آلمان است.

به علاوه، حامیان هولوکاست آن گناه موهوم را گناهی موروثی محسوب می کنند، به طوری که نه تنها مردم آلمان زمان جنگ جهانی دوم، بلکه نسلهای بعدی آلمانیها نیز در این گناه شریک هستند. تأکید بر گناهکار بودن مردم فعلی آلمان از آن جهت برای حامیان هولوکاست مهم و حایز اهمیت است که هنوز هم پس از گذشت بیش از شصت سال از پایان جنگ جهانی دوم، سازمانهای یهودی از دولت آلمان (و مالیات دهندگان آلمانی) غرامت دریافت می کنند. در حالی که ۹۹/۹ درصد از همه مالیات دهندگان امروزی آلمان در بهترین ارزیابیها در زمان جنگ جهانی دوم کودکانی خردسال بوده اند.^{۳۲}

تعجب برانگیزتر اینکه مطابق ادعای حامیان هولوکاست این فقط ملت آلمان نیست که در ماجرای ادعایی هولوکاست مقصر است، بلکه همه کشورهای دنیا در این حادثه شریک جرم آلمان هیتلری محسوب می شوند؛ چرا که مدعی اند برخی از کشورها از پناه دادن به یهودیان گریزان از آلمان هیتلری، خودداری کرده اند و مابقی کشورها نیز به علت سکوت در برابر این جنایت مقصر محسوب می شوند. چنان که نورمن جی. فینکلشتاین در کتاب صنعت هولوکاست نشان می دهد، حامیان هولوکاست از اصطلاحاتی مانند «سکوت جهانی»، «بی اعتنائی جهانی» و «تنها گذاشتن یهودیان» برای نشان دادن مقصر بودن همه جهانیان در این جرم ساختگی استفاده می کنند. مطابق این نظر «یهودیان نابود شدند، زیرا همه غیریهودیان، چه مخالف و چه شریک خاموش، خواهان مرگ یهودیان بودند.»^{۳۳} رونی لاندائو^{۳۴}، از حامیان هولوکاست و مدیر پروژه آموزش هولوکاست در انگلستان، در تأیید این تفکر آن را تحت عنوان «قدرت بی تفاوتی»^{۳۵} توجیه می کند و معتقد است که مردم جهان با بی تفاوتی از کنار کشتار

یهودیان به دست نازیها گذر کردند.^{۳۶} او همچنین به نقل از ایان کرشائو^{۳۷} از نویسندگان مشهور یهودی به کنایه نقل می کند که «راه آشویتس (کشتار جمعی یهودیان) با تنفر (غیریهودیان از یهودیان) ساخته شد، ولی با بی تفاوتی همگانی هموار گردید.»^{۳۸} آن گونه که در آینده خواهیم دید، مقصر دانستن همه جهانیان برای حامیان هولوکاست کارآیی فراوانی در توجیه غرامتها و سودجوییهای مالی از دیگر کشورهای دنیا غیر از آلمان دارد.

منحصر به فرد بودن هولوکاست

دیگر ادعای مورد تأکید یهودیان بی نظیری حادثه و منحصر به فرد بودن جنایت هولوکاست است که در طول تاریخ نمی توان برای آن مشابهی یافت و یا آن را با هر حادثه دیگری مقایسه کرد. اهمیت منحصر به فرد دانستن هولوکاست به حدی نزد یهودیان حامی هولوکاست زیاد است که فینکلشتاین از آن به عنوان یکی از دو اصل مهم نام می برد که چارچوب هولوکاست بر آن استوار است و می نویسد: دو اصل استوار و پراهمیت، به چارچوب هولوکاست استحکام می بخشند: اول اینکه، هولوکاست نشان از یک رخداد تاریخی منحصر به فرد و یگانه دارد. دوم اینکه هولوکاست بیانگر اوج نفرت غیرمنطقی و مداوم غیریهودیان از یهودیان است.^{۳۹} ژاکوب نوسنر^{۴۰} نیز در این باره می نویسد: «هولوکاست رخدادی منحصر به فرد و یگانه است و در تاریخ نمی توان برایش هم تایی یافت.»^{۴۱} فینکلشتاین معتقد است که این نوع نگاه به هولوکاست و این ادعا برخاسته از اصل اعتقادی دین یهود مبنی بر برگزیده شدن ملت یهود ریشه می گیرد.^{۴۲} حاصل چنین ادعایی در مورد داستان هولوکاست نادیده گرفته شدن دیگر کشتارها و اقدامات جنایت آمیز صورت گرفته از سوی قدرتهای جهانی مانند آلمان، روسیه (شوروی) و بویژه ایالات متحده است و حتی به جنایات صورت گرفته از سوی دشمنان آلمان در زمان جنگ جهانی دوم نیز بی توجهی می شود.

به تعبیر مارک وبر^{۴۳}، از متخصصان و مورخان مکتب تاریخ حقیقی، رفتار یهودیان در این باره به گونه ای است که گویی قربانیان غیریهودی نسل کشیها، سرکوبها و جنگها شایستگی آنچه برای به ظاهر قربانیان یهودی هولوکاست در نظر گرفته می شود، ندارند و هیچ موزه و یادبود و مراسم و بزرگداشتی برای آنها گرفته نمی شود.^{۴۴}

اما مطابق اسناد تاریخی که با افسانه سازیهای صورت گرفته در مورد هولوکاست، به لحاظ اتقان قابل مقایسه نیستند، لااقل بیست میلیون نفر در اثر دیکتاتوری استالین در شوروی ده میلیون نفر در اثر مداخلات ژاپن در چین، حدود هشت میلیون نفر در اثر سیاستهای استعماری دولت بلژیک در کنگو و... در دنیا دچار کشتار شده اند.^{۴۵} به همین ترتیب هنوز دنیا خاطره

جنایات صورت گرفته از سوی امریکا در ویتنام را که طی آن میلیون‌ها ویتنامی مقتول و مجروح شدند، فراموش نکرده است.

اما یهودیان حامی هولوکاست از جمله آبراهام فاکسمن^{۴۶}، رئیس انجمن ضدافترا - که یکی از بزرگ‌ترین و پرنفوذترین گروه‌های صهیونیستی است - معتقدند که هرگونه مقایسه میان هولوکاست و دیگر اتفاقات دنیا ممنوع است، چرا که «هولوکاست امری متفاوت است. هولوکاست حادثه‌ای منحصر به فرد است.»^{۴۷} در بحث‌های آتی نشان خواهیم داد که چرا حامیان هولوکاست این قدر تأکید می‌کنند که رنجها و جنایاتی که بر هر ملت دیگری وارد می‌شود، هرگز نباید با هولوکاست - ابررنج ساختگی یهودیان - مقایسه کرد.

روش اثبات

شایسته است به شیوه‌های به کار گرفته شده از سوی حامیان هولوکاست برای اثبات این ادعای تاریخی نگاه بیفکنیم. حامیان هولوکاست معمولاً مدعی هستند که چندین تن سند از زمان آلمان هیتلری به جا مانده است که بهترین اثبات کننده وجود هولوکاست می‌باشد؛ اما هر چند بخش اول این ادعا درست است و اسناد به جا مانده از آلمان هیتلری و خاطرات رهبران آن و... بسیار زیاد است، اما «وقتی هولوکاست را زیر سؤال می‌برید، فقط تعداد انگشت شماری سند در دفاع از آن ارائه می‌کنند که اصالت و تفسیر همه آنها به شدت زیر سؤال است.»^{۴۸} این امر نشان می‌دهد که اسناد به جا مانده از آلمان هیتلری چنین امری را ثابت نمی‌کند. به همین دلیل حامیان هولوکاست در جواب این سؤال که چرا در اسناد هیتلری چنین چیزی وجود ندارد، مدعی می‌شوند که در این اسناد، کشتار یهودیان (و فقط کشتار یهودیان و نه هیچ چیز دیگر) به زبان رمز و با مخفی کاری یاد شده است. گروهی دیگر از حامیان هولوکاست مدعی هستند که دستور کشتار جمعی، شفاهی صادر می‌شد و در جلساتی حضوری و شفاهی مطرح می‌شده و سندی از آن به جا نمانده است.^{۴۹}

تحقیقات فیزیکی و بررسی شواهد موجود در مورد هولوکاست (مثلاً بررسی فیزیکی اتاق گاز، کوره‌ها، امکانات مادی و نظامی موجود در زمان جنگ برای کشتار و...) امری است که حامیان هولوکاست هرگز به آن تن نمی‌دهند. هر چند محققانی از حامیان هولوکاست مانند پرساک در این زمینه تحقیقاتی گزینشی کرده‌اند، اما در مجموع حامیان هولوکاست به شدت در برابر چنین تحقیقاتی مقاومت می‌کنند. (در آخرین مورد از این مخالفتها دولت لهستان رسماً در برابر خبر احتمالی اعزام گروهی محقق از سوی جمهوری اسلامی برای بررسی فیزیکی و از نزدیک به شدت موضع گیری نمود.)

در این چنین اوضاعی روش اصلی اثبات هولوکاست از سوی حامیان این افسانه، استناد به «مشاهدات عینی» است. به عبارت بهتر دلیل اصلی و عمده یهودیان در حمایت از هولوکاست استناد به سخنان مدعیانی است که این امر را از نزدیک مشاهده کرده‌اند.

اما شهادت این شاهدان به ظاهر عینی نیز با اشکالات، تناقضات، بافته‌ها و دروغ‌های فراوان همراه است؛ به طوری که ارزش همه این شهادتهای به ظاهر عینی را کاملاً زیر سؤال می‌برد.^{۵۱} به عنوان مثال آرنولد فریدمان^{۵۲} یکی از شاهدان معروف هولوکاست در سال ۱۹۸۵ مجبور به اعتراف شد که هیچ یک از ادعاهای و شهادتهایش راست نبوده است^{۵۳} و یا دادگاه بررسی جنایت یک مأمور سابق اردوگاهها که در بیت المقدس و تحت نظر رژیم صهیونیستی برگزار می‌شد مجبور به اعتراف شد که همه شاهدان و شهادتهای آنها بی اعتبار بوده است. در یک مورد بسیار مشهور بنجامین ویلکومیرسکی^{۵۴} نویسنده کتاب تکه خاطرات^{۵۵}، که از مهم ترین شاهدان هولوکاست محسوب می‌شود، بالاخره مجبور به اعتراف شد که نه تنها یهودی نبوده است، بلکه هرگز در هیچ اردوگاه آلمانی نیز به سر نبرده است.^{۵۶}

دو مورد خاص

هولوکاست اول

در طول جنگ جهانی اول و پس از آن یعنی سالهای ۱۹۱۶ تا سالهای پایانی دهه ۱۹۲۰ سازمانهای یهودیان امریکا مدعی بودند که شش میلیون یهودی (!) از فقر و گرسنگی فرآگیر در اروپای شرقی درگیر جنگ کشته شده‌اند.^{۵۷} دان هدیشر^{۵۸} در کتاب تأثیرگذار و قابل توجه خود با عنوان هولوکاست اول^{۵۹} نشان می‌دهد که چگونه روزنامه امریکایی - یهودی نیویورک تایمز در سال ۱۹۱۹ و برخی دیگر از سازمانهای یهودی امریکا و... مدعی شده بودند که شش میلیون یهودی در لهستان و روسیه در حال کشته شدن هستند.^{۶۰}

هولوکاست اول یک نمونه ناموفق از تبلیغات یهودیان در مورد کشتار ساختگی یهودیان است که با شکست مواجه شد، اما پس از جنگ جهانی دوم دوباره همان ادعا اما این بار به صورت موفق مطرح شد.

هولوکاست روسی

در سالهای دهه ۱۹۵۰ و در مبارزه تبلیغاتی علیه استالین، یهودیان امریکا ادعای کشتار شش میلیون یهودی و نیز ادعای برنامه کشتار همه یهودیان اروپای شرقی و روسیه را به دست شوری مطرح کردند. نشریه کامنتری به عنوان یکی از نشریات تأثیرگذار یهودیان امریکا مدعی شد که

استالین قصد دارد کار ناتمام هیتلر را کامل کند.

از دروغهای تبلیغاتی هولوکاست اول و هولوکاست روسی که اکنون دروغ بودن آن به خوبی مشخص شده است، چه نتیجه‌ای جز این می‌توان گرفت که «یهودیان در زمانهای مختلف به دنبال این هدف تبلیغاتی برای رسیدن سودهایی بوده‌اند که در آینده مطرح می‌کنیم؟»

بخش دوم: منافع حامیان هولوکاست

هولوکاست امری بسیار پرمفعت برای حامیان آن است و هر یک از حامیان، منفعت متفاوتی را از آن جستجو می‌کنند؛ به گونه‌ای که ما در بررسی و ارائه منافع هولوکاست مجبور به دسته‌بندی چندگانه این منافع هستیم؛ گاه این جوانب مختلف دارای اندکی هم‌پوشانی هستند. توضیح آنکه، برای پوشش دادن به همه این منافع ناگزیر باید از چند منظر به این امر نگاه کنیم. از این رو یک بار منافع هولوکاست را بر اساس حیطه موضوعی آن به اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... تقسیم کرده هر یک را توضیح داده‌ایم و یک بار دیگر بر اساس تقسیم‌سازمینی به بررسی منافع حامیان هولوکاست در اسرائیل و آمریکا و یا صهیونیسم بین‌الملل پرداخته‌ایم.

منافع اقتصادی

گرامتها

از جمله مهم‌ترین منافع یهودیان از ماجرای هولوکاست و مطرح کردن آن، سود اقتصادی ناشی از گرامتها می‌باشد. از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون فقط کشور آلمان بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار گرامت به یهودیان پرداخت کرده است^{۶۱} در حالی که اکثر این گرامت به سازمانهای یهودی حامی هولوکاست تعلق می‌گیرد نه به افراد یهودی^{۶۲}. حتی مطابق برآوردها، دولت آلمان باید تا حداقل دو دهه دیگر نیز به پرداخت گرامت به سازمانها و افراد یهودی ادامه دهد. در حالی که انواع جدیدی از گرامت خواهیها به تازگی از سوی حامیان هولوکاست ابداع شده است و احتمالاً بر میزان و دوره گرامتها خواهد افزود.

الف) گرامتهای اولیه آلمان

در سال ۱۹۵۲ دولت آلمان مجبور شد با سه توافق نامه مختلف، گرامتهای کلانی را به افراد مدعی بپردازد. علاوه بر آن دولت آلمان از سوی رژیم صهیونیستی و طی توافق نامه‌ای اجباری موظف شد تا چند صد هزار مهاجر یهودی را که صهیونیستها از سراسر دنیا به سرزمینهای اشغالی وارد کرده بودند تحت پوشش و حمایت مالی قرار دهد^{۶۳}. به این ترتیب دولت آلمان به عنوان گرامت مجبور به پرداخت برخی هزینه‌های اشغال فلسطین توسط یهودیان شد.

ب) گرامت دریافتی از سوئیس

در سال ۱۹۹۵ و دقیقاً پس از برگزاری پنجاهمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم، مجمع یهودیان جهان ادعاهای کم‌رنگ صورت گرفته علیه سوئیس را به عنوان برنامه اصلی خود در دستور کار خود قرار داد. سوئیس از سوی یهودیان حامی هولوکاست متهم بود که اولاً پناهندگان یهودی را در دوره جنگ نپذیرفته است. ثانیاً حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری یهودیان در دوران قبل از جنگ را که صاحبان آن بر مبنای ادعاها در جنگ توسط آلمان کشته شده‌اند نزد خود نگاهداشته است.

با این ادعاها موجی از فشارهای تبلیغاتی و دیپلماتیک علیه سوئیس آغاز شد و در حالی که سوئیس به تشکیل کمیته‌ای تخصصی برای رسیدگی به این ادعاها رضایت داده بود، خاخام اسرائیل سینگر^{۶۴} (از حامیان و مبلغان مشهور هولوکاست) و دیگر تبلیغاتچیان هولوکاست با تهدید سوئیس و بانکداران آن به «تبلیغات منفی» خواهان پرداخت گرامت از سوی سوئیس پیش از نتیجه کمیته تخصصی شدند. جنگ تبلیغاتی علیه سوئیس تا آنجا پیش رفت که سوئیس بی‌طرف در دوره جنگ، به عنوان حامی هیتلر در یهودی‌کشی مورد حمله قرار گرفت و در نهایت با فشارهای اقتصادی آمریکا و تهدید به تحریم از سوی ایالات متحده، مجبور به تسلیم شد.

(گزارش مفصل این امر در فصل سوم کتاب صنعت هولوکاست، به خوبی ذکر شده است.)

سودبری تبلیغاتچیان هولوکاست از این امر به حدی بود که خاخام ماروین هایر^{۶۵} رئیس مرکز سیمون ویزنتال^{۶۶} - از لابیهای قوی یهود در آمریکا - در اتهامی بی‌اساس مدعی شد که سوئیس از پناهندگان یهودی دوره جنگ در اردوگاههای کار اجباری بهره می‌برده است و باید هزینه و گرامت آن را نیز بپردازد^{۶۷}.

ج) گرامتهای جدید آلمان

پس از پیروزی حامیان هولوکاست در مجبور کردن سوئیس به پرداخت گرامت در اوت ۱۹۹۸، در سپتامبر همان سال روش جدید گرامت‌گیری علیه آلمان به کار بسته شد و آلمان علاوه بر گرامتهایی که از قبل پذیرفته و در حال پرداخت آنها بود اکنون به پرداخت گرامتهایی جدید محکوم می‌شد و در نهایت پیش از پایان همان سال آلمان به پرداخت گرامتی جدید و سنگین در این زمینه تن داد.

د) گرامت‌گیری از اتریش

در مارس ۲۰۰۰ مجمع یهودیان جهان مدعی شد که دولت اتریش سرمایه‌های بدون وارث

یهودیان کشته شده در ماجرای هولوکاست را به ارزش ده میلیارد دلار در اختیار دارد و خواهان دریافت غرامت این سرمایه‌ها شد. به این شیوه جدید غرامت‌گیری و دیگر شیوه‌ها خواهیم پرداخت.

از این رو مشخص می‌شود که چرا حامیان هولوکاست اصرار دارند که تنها دولت آلمان هیتلری را مقصر جنایت ساختگی هولوکاست ندانند و این جرم را میان همه مردم دنیا تقسیم کنند.

ه) دیگر کشورها

در حال حاضر سازمانهای یهودی - صهیونیستی می‌کوشند تا از همه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که به نوعی با هولوکاست مرتبط هستند غرامت دریافت کنند. لهستان و رومانی دو کشوری هستند که در حال حاضر با فشار بین‌المللی و حمایت آمریکا مجبور به پرداخت غرامتهایی شده‌اند.

دریافت کنندگان غرامتها

۴۴

افراد

تعجب‌آور است که تاکنون ۵/۵ میلیون پرونده دریافت غرامت از سوی یهودیان به عنوان بازمانده هولوکاست علیه دولت آلمان تشکیل شده است.^{۶۸} واضح است که این تعداد متقاضی دریافت غرامت به شدت بیش از حد و کاملاً غیرطبیعی است.^{۶۹} به تعبیر فینکلشتاین: «اگر ادعای همه یهودیانی که می‌گویند بازمانده حقیقی این بازداشتگاهها و اردوگاهها هستند درست باشد، پس هیتلر چه کسانی را کشت؟»^{۷۰}

به طور کلی تعداد بازماندگان یهودی اردوگاههای هیتلری، یکی از مسائل غامض و سؤال برانگیز است. در حالی که مطابق ادعاهای یهودیان، هیتلر چنان به یهودی کشتی دست زده بود که تنها حدود صد هزار نفر از یهودیان باقی مانده در اروپا، از اردوگاههای او جان سالم به در بردند؛^{۷۱} اکنون شاهد آن هستیم که ۵/۵ میلیون نفر به عنوان بازمانده، پرونده تشکیل می‌دهند و هنوز هم با گذشت بیش از ۶۰ سال شاهد تشکیل پرونده‌های جدیدی هستیم. جالب آنکه دفتر نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۲۰۰۰ شمار بازماندگان زنده هولوکاست را یک میلیون نفر اعلام کرد.^{۷۲}

هر چند بسیاری از این به ظاهر بازماندگان هولوکاست ماهیانه از دولت آلمان و دیگر کشورها اخاذانه مستمری دریافت می‌کنند (ساگی، ص ۱۶۱) اما باید متذکر شد که بخش اعظم اموالی

که به عنوان غرامت دریافت می‌شود به سازمانهای یهودی پرداخت می‌گردد و نه به اشخاص.

سازمانهای یهودی

سازمانهای یهودی بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان غرامتهای هولوکاست هستند. ادگار برانفمن^{۷۳}، رئیس مجمع یهودیان جهان در سال ۱۹۹۸ اعتراف کرد که فقط این مجمع به تنهایی هفت میلیارد دلار از پولهای غرامت را به صندوق خویش اختصاص داده است (نیویورک تایمز، ۲۴ ژوئن ۱۹۹۸).^{۷۴}

مجمع مطالبات مادی یهودیان با این استدلال که «پیش از آنکه پولهای ارائه شده از سوی آلمان در دسترس قرار گیرد، نیازهای قربانیان هولوکاست به خوبی برآورده شده بود» به خود اجازه داده بود که بسیاری از غرامتهای دریافت شده برای افراد را به آنها واگذار نکرده صرف اهداف مجمع یهودیان و دیگر سازمانهای صهیونیستی نماید.^{۷۵} به این ترتیب پولی که به عنوان غرامت برای افراد گرفته می‌شود صرف تقویت سازمانهای صهیونیستی و افزودن بر قدرت آنها می‌گردد.

مجمع بین‌المللی مطالبات خسارت دوره یهودی سوزی (صنعت، ص ۹۹) International
commission on Holocaust-era Insurance claims.

مجمع مطالبات مادی یهودیان از آلمان The Conference on Jewish Material Claims against
Germany

مؤسسه بنای بریث Bnai Brith

کمیته توزیع مشترک The Joint Distribution Committee

مجمع یهودیان امریکایی

مجمع یهودیان جهان

روشهای جدید غرامت‌گیری

پس از گذشت بیش از ۶۰ سال از زمان ادعای یهودیان در مورد هولوکاست، اکنون روشهایی تازه برای دریافت غرامت از کشورهای جهان بویژه اروپای مرکزی و شرقی به کار بسته می‌شود که برخی از آنها عبارت است از:

بهانه پولهای راکد یهودیان در بانکها

حامیان هولوکاست مدعی هستند که بسیاری از شش میلیون یهودی کشته شده توسط آلمان

۴۵



در بانکهای دنیا صاحب حسابهایی بوده اند که پس از آنها به هر علت (مثلاً دسیسه بانکداران و عدم تحویل آن به بازماندگان یا...) را کد مانده است. از این رو سازمانهای یهودی مدعی اند که این حسابها و سودی که از آنها در طول این مدت حاصل شده است باید به سازمانهای یهودی - صهیونیستی واگذار شود!

بهبان هزینه‌های کار اجباری یهودیان

حامیان هولوکاست با جدی تر شدن سودآوری آن مدعی شدند که از جمله روشهای اصلی کشتار یهودیان در آلمان هیتلری «کار اجباری کشنده» بوده است. به این ترتیب کشورهای که اردوگاههای کار اجباری یهودیان تحت کنترل آلمان در آنها قرار داشته است (مثل اتریش، لهستان و خود آلمان) باید در این کشتارها مقصر و دخیل شناخته شوند و اکنون باید هزینه‌های این کار اجباری را پردازند که منجر به کشتار یهودیان و منفعت بردن این کشورها شده است.

بهبان صدمه به یهودیان از طریق پذیرفتن آنها به عنوان مهاجر

اشاره شد که حامیان هولوکاست تقصیر این گناه را متوجه همه جهانیان به عنوان «سکوت کنندگان» در برابر جنایت هیتلر می‌دانند. از جمله موارد این تقصیر از نظر حامیان هولوکاست خودداری این کشورها از پذیرفتن مهاجران یهودی است و از این طریق در گناه هولوکاست شریک هستند؛ پس باید برای جبران آن هزینه‌هایی پردازند.

بهبان قراردادهای اقتصادی با آلمان هیتلری

از روشهای بسیار تعجب برانگیز غرامت‌گیری حامیان هولوکاست، متهم کردن کشورهای طرف قرارداد با آلمان هیتلری (حتی آنها که در جنگ بی طرف بوده اند مانند سوئیس) به سوءاستفاده از سرمایه‌ها و اموال مصادره شده یهودیان در آلمان است. مطابق این شیوه مثلاً بانکداران سوئیس به خاطر آنکه از آلمان زمان هیتلر طلا خریداری کرده اند محکوم به مشارکت در هولوکاست می‌شوند به این بهانه که در شهادتهای برخی از مدعیان هولوکاست آمده است که آلمانیها پس از کشتن یهودیان و پیش از سوزاندن آنها همه وسایل قیمتی آنها حتی دندانهای طلایشان را جدا می‌کرده اند و حامیان هولوکاست مدعی اند که سوئیس با خرید طلا از آلمان در واقع در هولوکاست مشارکت داشته است.

بهبان سرمایه‌های یهودیان دوران جنگ

از دیگر روشهای غرامت‌گیری بهانه قرار دادن سرمایه‌های یهودیانی است که به ادعای حامیان هولوکاست در جنگ جهانی دوم کشته شده اند؛ پس این یهودیان صاحب زمین، خانه و اموالی بوده اند که با کشته شدن آنها و خانواده‌هایشان از تملک یهودیان خارج شده است. اکنون دولت لهستان باید این اموال را به سازمانهای یهودی به عنوان وارث آنها واگذار کند.

بهبان کالاهای هنری

در تبلیغات اخیر حامیان هولوکاست در قالب داستانها و فیلمها بر این نکته تأکید می‌شود که هیتلر شخصاً به آثار هنری علاقه داشت و دستور جمع‌آوری آنها را می‌داد. به این بهانه یهودیان حامی هولوکاست مدعی اند که هیتلر کالاهای هنری (مجسمه‌ها، تابلوها و...) متعلق به یهودیان را مصادره کرده بود و اکنون این کالاها در موزه‌های آلمان و پس از آن در دیگر موزه‌های دنیا قرار گرفته اند. اسرائیل سینگر رئیس مجمع یهودیان جهان در ۱۳ مارس ۲۰۰۰ در بیانیه‌ای مدعی شد که «۵۰ درصد کالاهای هنری موجود در امریکا از یهودیان غارت شده است.»^{۷۶}

حمایتهای اقتصادی از اسرائیل

از جمله منفعتهای اقتصادی هولوکاست برای یهودیان و صهیونیستها کسب حمایت اقتصادی از کشورهای مختلف برای رژیم صهیونیستی است. به تعبیر فینکلشتاین برای اسرائیلی که دولت یهودیان ستم‌دیده و کشتار شده در اثر هولوکاست شناخته شود، بهتر می‌توان مظلوم‌نمایی نمود و برای آن از مردم پول جمع کرد.^{۷۷}

از سوی دیگر ماجرای هولوکاست یکی از بهانه‌های بسیار جدی کشورهای غربی بویژه ایالات متحده امریکا برای کمکهای بلاعوض فراوان به رژیم صهیونیستی است.

منافع فرهنگی

منافع فرهنگی ای که یهودیان - صهیونیستها از این افسانه‌سازی می‌برند تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. معمولاً در بحث از منافع فرهنگی هولوکاست فقط به ابزارهای فرهنگی مورد استفاده برای ترویج و تبلیغ این امر پرداخته می‌شود که هر چند به جا و درست است، اما کافی نیست. اهداف و منافع فرهنگی حامیان هولوکاست از ترویج این افسانه چیزی بیشتر از خود ابزارهای ترویج آن است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. برتر و منزّه نشان دادن یهودیان به عنوان یک قوم

چارلز سیلبرمن^{۷۸} نویسنده یهودی و صاحب کتاب مردمی ویژه: یهودیان امریکا و زندگی امروز آنان^{۷۹} به صراحت یهودیان را انسانهایی برتر توصیف می کند که هرگز نمی توانند از حس برتر بودن خویش بر دیگران جدا شوند. اما از جمله استفاده های نادرست از افسانه هولوکاست تأکید بر همین برتری یهودیان است.

در اولین نظر رابطه دقیق و درستی میان این دو امر مشاهده نمی شود، اما چنان که مارک و بر می نویسد: «یهودیان معمولاً با هولوکاست به عنوان حادثه ای مرکزی در تاریخ جهان، با احترام و تقدیس برخورد می کنند... چنان که آبراهام فاکسمن، رئیس انجمن ضدافترا، در تحلیل هولوکاست می گوید: هولوکاست نمونه ساده ای از نسل کشی نیست، بلکه تلاشی تقریباً موفق برای از میان بردن فرزندان برگزیده خدا و بنابراین عملی علیه خود خدا بوده است.»^{۸۰}

بنابراین یهودیان در بزرگداشت این افسانه تنها مظلوم نمایی نمی کنند، بلکه به بهانه آن بر برتری قوم یهود تأکید می کنند و نحوه بزرگداشت هولوکاست نشان دهنده نگاه خودخواهانه و متکبرانه یهودیان به خویشان به عنوان انسانهای برتر و خاص است؛^{۸۱} نگاهی که به واسطه همین تبلیغات در جهت تقویت آن نیز می کوشند.

علاوه بر این در تبلیغات حامیان هولوکاست همواره چنین نشان داده می شود که یهودیان انسانهایی مظلوم و در عین حال مورد نفرت هستند اما یهودیان هرگز علیه غیریهودیان نفرت، خشونت و یا دشمنی ای بروز نداده اند. الی ویزل از مشهورترین مبلغان هولوکاست در این باره می گوید: «مسئولیت سنگین یهودی بودن همین است، (یک یهودی) همواره بی گناه است، گرچه همواره کیفر می بیند.» (ویزل، ۱۹۸۴، ص ۲۵۵)

۲. ایجاد هویت جعلی برای یهودیان

تام سیگیو^{۸۲} یکی از نویسندگان یهودی در این باره می نویسد: «در اسرائیل هولوکاست به موضوعی برای پرستش تبدیل شده است؛ چنان که در مدارس اسرائیل آموزش داده می شود و در مراسم یادبود ملی تقویت می گردد؛ از هولوکاست برای تقویت ملی گرایی در اسرائیل بهره برداری می شود.»^{۸۳}

از هولوکاست و تبلیغات آن به عنوان سمبل و نمادی برای وحدت یهودیان استفاده می شود؛ چرا که مطابق این افسانه ها باید یهودیان را دارای سابقه ای مشترک و از یاد نرفتنی دانست؛ سابقه ای دردناک که همه فرهنگ یهودی و حتی اروپایی و غربی را به مدد تبلیغاتگران هالیوودی تحت تأثیر قرار داده است. یهودا بائر^{۸۴} یکی از متخصصان حامی هولوکاست در این باره

می گوید: «چه اصیل و چه به صورت ساختگی، چه مطابق حقایق تاریخی و چه مخالف آن، و چه با هدف هم دلی و فهم وقایع تاریخی و چه با هدف یادبودهای پوشالین پر زرق و برق؛ در هر صورت هولوکاست سمبلی حاکم از فرهنگ ما (غرب) شده است.»^{۸۵} و پروفیسور تیم کول^{۸۶} می افزاید: «جریانی که در ابتدا بسیار آرام آغاز شد، اکنون به جایی رسیده است که کل فرهنگ غربی و به خصوص فرهنگ یهودی از «هولوکاست» اشباع شده است. در حقیقت هولوکاست به حدی فرهنگ غربی را اشباع کرده است که نه تنها در متن اصلی قرار دارد، بلکه در بسیاری از پشت صحنه ها مخفی شده است. بسیاری از مهم ترین فیلمهای معاصر در پی رنگ اصلی خود و یا به عنوان موضوعی جانبی شامل هولوکاست می شوند.»^{۸۷}

پیتر نوک^{۸۸} از متفکران یهودی در جواب به این پرسش که چگونه هولوکاست به چنین نقشی در غرب دست یافته است می گوید: «بخش زیادی از جواب این پرسش به نقش قابل توجه و تأثیرگذار یهودیان در هالیوود، صنعت تلویزیون، روزنامه ها، مجلات و جهان انتشارات باز می گردد. هر کس این عامل مهم را در پشت صحنه «توجه عمومی» به هولوکاست انکار کند یا ساده و احمق است و یا مزور و ریاکار.»^{۸۹}

اما نقش هولوکاست در ایجاد هویت ملی برای یهودیان به همین جا محدود نمی شود. سران صهیونیسم از طریق افسانه هولوکاست به یهودیان چنین می فهمانند، برای آنکه گرفتار نفرت غیریهودیان نشوند باید با هم متحد شوند و باید از رژیم صهیونیستی به عنوان دولت یهود حمایت کنند. به همین دلیل است که آریل شارون، نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی، معتقد است: «درس بزرگ هولوکاست این است که یهودیان باید همواره هوشیار باشند و به کسی جز یهودیان اعتماد نکنند. یهودیان فقط می توانند بر خودشان تکیه کنند. جوانان یهودی موظف اند این درس را (فرا بگیرند و) به ارث بگذارند و خاطره ها و داستانهای آن را حفظ کنند. تا اهمیت و ارزش وجود دولت یهود محفوظ بماند.»^{۹۰}

مارک و بر در جمع بندی این سودطلبی یهودیان و صهیونیستها از هولوکاست می نویسد: «مبارزه و تعامل برای بزرگداشت هولوکاست، مشوق هم دردی و حمایت از اسرائیل است. این مبارزه، حمایت گسترده و مداوم امریکا از رژیم صهیونیستی را توجیه می کند و از سوی دیگر سیاستهای نابخشودنی و غیر قابل اغماض رژیم صهیونیستی را توجیه می کند. این تلاش احساس وحدت و یگانگی را در میان یهودیان تقویت می کند و احساس هدف مشترک اجتماعی را در میان آنها به وجود می آورد.»^{۹۱}

۳. جعل فرقه مذهبی و مناسک هولوکاست

گرمار رادولف، از نویسندگان برجسته، در کتاب درسهای هولوکاست می نویسد:

«هولوکاست بزرگ‌ترین تابوی جوامع مدرن است. تابویی که حتی اجازه نمی‌دهند اعلام کنیم که یک تابوست.»^{۹۲}

خاخام میکائیل گولدربرگ، از رهبران مذهبی نویسندگان یهودی، نیز در این باره می‌گوید: «برای بسیاری از یهودیان احترام و تقدس هولوکاست به یک مذهب جدید تبدیل شده است و مانند هر کلیسای متحد دیگر فرقه هولوکاست، اصول مذهبی و ایمان و مناسک و مقدسات خاص خود را دارد.»^{۹۳}

گرمار رادولف نیز گزارش می‌دهد که اکنون در کشورهای غربی چنان در مورد هولوکاست عمل می‌شود که نشان می‌دهد هولوکاست جنبه دینی و مذهبی پیدا کرده است. او معتقد است که اکنون موزه‌های هولوکاست به مکانی برای عبادت تبدیل شده‌اند.^{۹۴}

تبدیل شدن هولوکاست به مذهبی جدید در غرب هنگامی بیش از پیش جلب توجه می‌کند که در نظر آوریم مسیحیت به عنوان یک مذهب در بخش زیادی از اعتقادات و معنویات خود بر رنجهایی که مسیح تحمل کرد و بر موضوع (فدا) و رنج کشیدن مسیح به جای پیروانش و در نهایت بر دار رفتن او به قیمت بخشش همه گناهان پیروان او مبتنی است.^{۹۵} در این مذهب جدید که از آن به مذهب هولوکاست تعبیر می‌شود رنجهای ادعایی یهودیان در اردوگاههای نازیسم جایگاهی مانند و حتی برتر از رنجهای مسیح در مذهب مسیحیت می‌یابد.

بر این مناسبت آمیرا هاس^{۹۶}، یکی از نویسندگان یهودی، می‌نویسد: «رنجهایی که والدین ما در گتوها و اردوگاههای اروپا کشیده‌اند و اضطرابها و فشارها و زجرهای روانی و روحی که آنها تحمل کرده‌اند به عنوان سلاحی برای خنثی کردن انتقادات بین‌المللی علیه جامعه‌ای که ما در اینجا (اسرائیل) به وجود آورده‌ایم به کار می‌رود...»^{۹۷}

و نیز بر اساس ترویج همین نگاه مذهبی و دینی به هولوکاست است که پرسش از هولوکاست ممنوع می‌شود و برای کسانی که به هر صورت آن را زیر سؤال ببرند قوانین جزایی وضع می‌شود. از اواسط دهه ۱۹۸۰ در بسیاری از کشورهای اروپایی زیر سؤال بردن غیرقانونی شده است و بویژه از سال ۱۹۹۵ عقاید مخالف هولوکاست با جریمه‌ها و محکومیت‌های سنگین سرکوب می‌شود؛ صرفاً به این علت که تصویر و تصور رسمی از هولوکاست زیر سؤال می‌رود، دانشمندان متعددی به زندان فرستاده شده‌اند.^{۹۸}

در حال حاضر هر گونه ابراز تشکیک در مورد هولوکاست در فرانسه تا سه سال، در آلمان و رژیم صهیونیستی پنج سال و در اتریش ده سال زندان در پی خواهد داشت.

ابزارهای آموزش و بزرگداشت هولوکاست

حامیان هولوکاست از ابزارهای مختلفی برای آموزش و بزرگداشت این افسانه استفاده می‌کنند، از جمله:

الف) موزه‌ها و بناهای یادبود:

در بسیاری از کشورهای دنیا و حتی در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، موزه‌ها و بناهای بزرگی برای یادبود و بزرگداشت به اصطلاح قربانیان هولوکاست ایجاد شده است که تقریباً همه این موزه‌ها و بناها از سالهای اولیه دهه ۱۹۶۰ به این سو ساخته شده‌اند.^{۹۹} تام سیگو از نویسندگان یهودی در مورد کارکرد این موزه‌ها می‌گوید که بازدیدکننده باید خودش به این نتیجه برسد که شباهتهای بسیاری میان نقشه‌های نازیها برای نابودی یهودیان و دشمنی اعراب با اسرائیل وجود دارد.^{۱۰۰} چنان که وبر گزارش می‌کند در حال حاضر بیش از ۲۵۰ موزه و یادبود بزرگ هولوکاست در سراسر دنیا وجود دارد که اغلب آنها در آمریکا و اروپا است.^{۱۰۱} برخی از مهم‌ترین این موزه‌ها عبارت است از:

۱. موزه هولوکاست در واشنگتن (Washington Holocaust Memorial Museum) سالیانه دو میلیون بازدیدکننده دارد و نیمی از هزینه آن را دولت می‌پردازد.

۲. موزه هولوکاست در اسرائیل (یاد و اشم)

Yad Vashem The Holocaust Martyrs 'and Heroes' Remembrance Authority.

۳. موزه هولوکاست در فلوریدا (Florida Holocaust Museum)

۴. موزه یادبود هولوکاست در ایالات متحده (United States Holocaust Memorial Museum)

۵. اولین موزه یادبود هولوکاست در آمریکا (America's First Holocaust Memorial Center)

۶. موزه هولوکاست در هوستون (Holocaust Museum Houston)

۷. موزه هولوکاست در ویرجینیا (تساهل و تسامح از طریق آموزش)

Virginia Holocaust Museum – Tolerance Through Education.

۸. موزه یهودی سیدنی (Sydney Jewish Museum)

۹. موزه هولوکاست و مرکز مطالعات ال پاسو (El Paso Holocaust Museum and Study Center)

۱۰. موزه یادبود هولوکاست در ساحل تامپا (Tampa Bay Holocaust Memorial Museum)

... و صدها موزه و یادبود دیگر.

ب) فیلمها:

تفوق یهودیان بر صنعت سینما و رسانه‌های عمومی باعث پررنگ شدن حضور هولوکاست

در این زمینه شده است به طوری که مارک وبر گزارش می‌دهد: فقط در طول سالهای ۱۹۸۹ تا

۲۰۰۳ میلادی ۱۷۰ فیلم با موضوع هولوکاست ساخته شده است.^{۱۰۲}

در این فیلمها یا به طور مستقیم هولوکاست مورد تأیید قرار می‌گیرد و یا به گونه‌ای در حاشیه داستان فیلم، هولوکاست پدیده‌ای قطعی و تاریخی جلوه داده می‌شود. برخی از مشهورترین این فیلمها عبارت است از:

۱. پیا نیست
 ۲. فهرست شیندلر (Schindler's List)
 ۳. فرار جوجه‌ای
 ۴. زندگی زیباست (Life Is Beautiful)
 ۵. آمین (Amen)
 ۶. اروپا اروپا (Europa Europa)
 ۷. آخرین روزها (The Last Days)
 ۸. عصر به خیر آقای والنبرگ (Good Evening, Mr. Wallenberg)
 ۹. بازماندگان هولوکاست (Survivors of the Holocaust)
 ۱۰. آنه فرانک (داستان کامل) (Anne Frank - The Whole Story)
 ۱۱. فرار از سایبور (Escape from Sobibor)
 ۱۲. شب و مه (Night and Fog)
 ۱۳. جعبه موسیقی (Music Box)
 ۱۴. هرگز فراموش نکن (Never Forget)
 ۱۵. شوآه (Shoah)
 ۱۶. عدالت در نورمبرگ (Judgment at Nuremberg)
- ... و صدها فیلم دیگر
 (ج) کتاب و آثار مکتوب:

کتابهای بی‌شماری تاکنون در حمایت از هولوکاست نگاشته شده است. برخی از این کتابها، داستانهایی با پی‌رنگ هولوکاست است. برخی دیگر کتابهای به اصطلاح تاریخی هستند. بخش زیادی از این کتابها در ظاهر خاطرات بازماندگان هولوکاست است و کتابهایی نیز در مورد ادبیات هولوکاست وجود دارد.

تاکنون بیش از هزار پایان‌نامه دکتری و کارشناسی ارشد در دانشگاههای مختلف غرب در حمایت از هولوکاست و یا جوانب مختلف آن نگارش یافته است که این امر خود از شدت توجه سیاستگذاران علمی و فرهنگی غرب برای تأکید بر این موضوع خبر می‌دهد.

برخی از مهم‌ترین کتابهای حامی هولوکاست عبارت است از:

(د) واحد درسی و کلاسهای آموزشی:

هولوکاست نه تنها به عنوان یکی از مطالب درس تاریخ دانش‌آموزان غربی است، بلکه برای آن واحد درسی خاص و کلاسهای آموزشی نیز در برخی مدارس در نظر گرفته شده است. به این ترتیب دانش‌آموزان در مورد افسانه هولوکاست باید واحد یا واحدهایی را بگذرانند که مطالب درسی آن از کتب حامی هولوکاست انتخاب می‌شود. در یک مورد مشخص شد که بسیاری از مطالب واحد درسی هولوکاست که در امریکا تدریس می‌شد از روی کتاب پرنده رنگ شده ۱۰۳ اثر جرسی کوسینسکی ۱۰۴ انتخاب شده است. در حالی که بعدها فاش شد که کوسینسکی دروغ‌گویی تمام عیار بود و کتاب او صرفاً بافته‌های ذهنی وی به جای خاطرات او در مورد هولوکاست و... است. ۱۰۵

(ه) روزهای بزرگداشت:

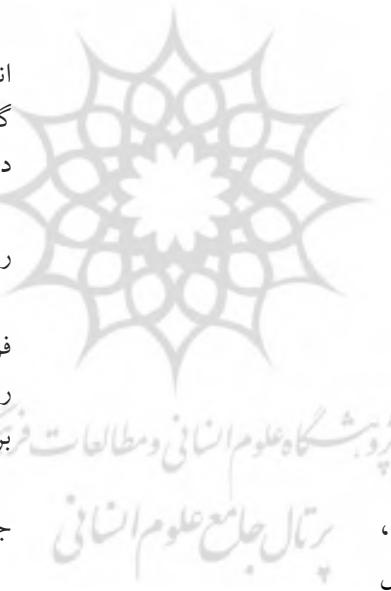
در همه ۵۰ ایالت امریکا با حمایت‌های مالی دولت، روزهایی به عنوان روز یادبود هولوکاست انتخاب شده است. در امریکا و بسیاری دیگر از کشورهای غربی روزی به عنوان روز گرامی داشت هولوکاست انتخاب شده است که حربه‌ای تبلیغاتی برای تأکید بر واقعی جلوه دادن هولوکاست است.

در نوامبر ۲۰۰۵ نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطع‌نامه پیشنهادی رژیم صهیونیستی را مبنی بر انتخاب روز ۲۷ ژانویه هر سال به عنوان روز بین‌المللی هولوکاست تأیید کرد. به این ترتیب تلاش رژیم صهیونیستی و یهودیان برای واقعی جلوه دادن هولوکاست در حیطه فرهنگی منجر به ایجاد نوعی تروریسم فرهنگی شده است. تروریسم فرهنگی تلاش می‌کند از راههای گوناگون هرگونه بحث و تحقیق علمی مبنی بر به زیر سؤال رفتن هولوکاست را از میان بردارد.

نورمن فینکلشتاین در کتاب خود گزارشی تأثربرانگیز از چگونگی برخورد لابی یهود برای جلوگیری از انتشار کتابی در زمینه انتقاد به هولوکاست ارائه می‌کند. ۱۰۶

(و) حامیان هولوکاست از بسیاری ابزارهای دیگر نیز برای ترویج اعتقاد به هولوکاست استفاده می‌کنند؛ از جمله: سخن‌رانیها، نشریات نوبه‌ای، گزارشهای روزنامه‌ها، کرسیهای دانشگاهی، فیلمهای مستند، حقوق جنایی و آیین دادرسی. ۱۰۷

بسیاری از محققان از آنچه صهیونیستها در حمایت قضایی از افسانه هولوکاست به راه انداخته‌اند با عنوان پلیس تفکر و دادگاههای قرون وسطایی تفتیش عقاید یاد می‌کنند چرا که محققان را به صرف تحقیق علمی جریمه و زندانی می‌کنند.



منافع نظامی و استراتژیک

هولوکاست منافع نظامی زیادی برای رژیم صهیونیستی داشته و دارد.

توجیه ایجاد اتحاد استراتژیک اسرائیل و غرب: رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه تنها متحد استراتژیک و دائمی غرب، اعم از کشورهای اروپایی و ایالات متحده امریکا محسوب می‌شود. نوع رابطه امریکا با این رژیم به حدی است که از رژیم صهیونیستی به عنوان خاک اصلی امریکا یاد می‌شود و یکی از محکم‌ترین پیوندهای استراتژیک میان این دو برقرار است. جایگاه اسرائیل در امریکا به حدی بالاست که در بسیاری از پروژه‌های نظامی جدید، شریک مجانی ایالات متحده محسوب می‌شود و بسیاری معتقدند که برای سیاستمداران امریکایی منافع رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه مهم‌تر از منافع خود امریکاست. چنین حمایت جدی و همه‌جانبه‌ای نیازمند توجیهی برای داخل کشور است. به عبارت بهتر ایالات متحده باید توجیهی برای شهروندان خود ارائه کند که چرا از اسرائیل تا این حد حمایت می‌کند و چرا همه تسلیحات جدید را در اختیار این رژیم قرار می‌دهد و این توجیه را هولوکاست فراهم می‌آورد.

بنابراین هولوکاست به ابزاری برای کسب حمایت نظامی و کمکهای بلاعوض ابرقدرتها در این حیطه بدل شده است به حدی که در مراسم گشایش موزه یادبود هولوکاست در مال^{۱۰۸} و اشنگتن، مالوین جولز بولکیت^{۱۰۹} این موزه را مکانی برای «قدرت بالقوه» یهود نامید و گفت:

این تراژدی اسف‌انگیز یهود نیست که این هفته در مال یادبود آن برگزار می‌شود؛ این قدرت یهود است که اکنون به آن احترام گذاشته می‌شود.^{۱۱۰}

یا چنان که الی ویزل از حامیان هولوکاست به آن اعتراف می‌کند: یگانگی رنجهای یهودیان و یگانگی یهودیان، غیریهودیان همواره بی‌گناه (جمله نامفهوم است - قدیانی)، دفاع بی‌قید و شرط از اسرائیل و دفاع بی‌قید و شرط از منافع یهودیان (را توجیه می‌کند).^{۱۱۱}

توجیه سیاستهای غیرانسانی رژیم صهیونیستی: سیاستهای رژیم صهیونیستی و سرکوب گسترده و غیرانسانی فلسطینیان از طریق هولوکاست توجیه می‌گردد. به عبارت بهتر هولوکاست به ابزاری برای مقابله با هرگونه انتقاد علیه سیاستهای این رژیم تبدیل شده است. کسانی که از فلسطینیان حمایت می‌کنند و سیاستهای رژیم صهیونیستی را در سرکوب آنها زیر سؤال می‌برند، از این طریق به فراموش کردن هولوکاست و این که یهود در معرض خطر نابودی قرار گرفته بود، کمک می‌کنند، پس در نتیجه محکوم می‌شوند.

هر چند به لحاظ منطقی توجیه ظلم به فلسطینیان از طریق تأکید بر ستمهایی که مدعی اند یهود

تجربه کرده است، ممکن نیست ولی در عالم تبلیغات منطق حکومت نمی‌کند. به طوری که فینکلشتاین ذکر می‌کند: از هولوکاست برای توجیه سیاستگذاریهایی جنایت‌آمیز دولت اسرائیل و حمایت ایالات متحده از آن بهره برداری می‌شود.^{۱۱۲}

توجیه برتری نظامی رژیم صهیونیستی: به گفته فینکلشتاین، ابتدای اصل هولوکاست بر این فرض که غیریهودیان همواره از یهودیان بی‌زار هستند و این بی‌زاری توجیهی منطقی ندارد، به یهودیان این بهانه را می‌دهد که هر کاری را مجاز بدانند.^{۱۱۳}

در واقع یهودیان از طریق هولوکاست چنین نمایش می‌دهند که غیریهودیان همواره خواستار از میان بردن آنها هستند. پس یهود مجاز است برای آنکه بتواند از این خطر جان سالم به در ببرد باید به هر توان و قدرتی دست یابد.

به همین ترتیب است که رژیم صهیونیستی دست‌یابی خود به سلاح هسته‌ای را تلویحاً توجیه می‌کند و بر کسب هرگونه توان نظامی برای خود تأکید دارد.

منافع دیپلماتیک و تبلیغاتی

هولوکاست منافع دیپلماتیک و تبلیغاتی فراوانی نیز برای یهودیان به همراه دارد.

حربه مظلوم‌نمایی: رژیم صهیونیستی می‌کوشد تا در جهان چهره مظلوم ستم‌دیده‌ای را برای خود بسازد. این امر در افکار عمومی و رسانه‌های غربی کاملاً مورد توجه است. (حال آنکه در منطقه خاورمیانه رژیم صهیونیستی می‌کوشد تا چهره یک قدرت شکست‌ناپذیر را به خود بگیرد و این نیز از تناقضات این رژیم است.) برای مظلوم‌نمایی، رژیم صهیونیستی نماد و سمبلی بهتر از هولوکاست پیدا نمی‌کند و از این روست که هولوکاست به بارزترین جلوه مظلوم‌نمایی دروغین یهودیان تبدیل شده است.

حربه اتهام یهودستیزی: هولوکاست شمشیر یهودیان را در اتهام یهودستیزی کاملاً تیز کرده است. تبلیغ هولوکاست برای صهیونیستها در حقیقت به نمایش گذاشتن یک نمونه (ساختگی) کامل از یهودستیزی و تصویر کردن کامل آن برای جهانیان است. به همین دلیل است که سازمانهای یهودی که از هولوکاست بیشترین بهره را می‌برند در استفاده از حربه یهودستیزی نیز بیشترین سابقه را دارند. سازمانهایی مانند انجمن ضدافترا، لیکرا^{۱۱۴} و سیمون ویزنتال^{۱۱۵} در این زمینه به شدت فعال هستند و می‌کوشند با استفاده از حربه هولوکاست و اتهام یهودستیزی، هرگونه مخالفت با هر عملی که از سوی یهودیان صورت می‌گیرد به شدت هر چه تمام‌تر سرکوب کنند.

عدم عضویت در سازمانهای بین‌المللی و عدم تعهد به پیمانهای بین‌المللی: اثر و فایده دیگر

در این جهان جدید امریکا و شوروی از اهمیت بالایی برخوردار بودند - گذشته از نقش یهودیان در شوروی - یهود نیازمند حضوری جدی و مؤثر در امریکا بود. البته این نیاز از سالها قبل احساس می شد و به راستی چه چیز بیش از ترس از کشتار جمعی (موهوم) می توانست یهودیان را از اروپا به دیگر نقاط جهان، بویژه امریکا کوچ دهد.

منافع هولوکاست برای صهیونیستها در امریکا

فتح امریکا: کثرت جمعیت یهودیان و تفوق آنها در ایالات متحده و حاکم شدنشان بر بسیاری از مراکز مهم تأثیرگذار، محصول و یا متأثر از هولوکاست بوده است. با حربه هولوکاست یهودیان به امریکا کوچ داده شدند و اکنون یهودیان در امریکا به حدی از قدرت رسیده اند که بر مهم ترین نقاط کلیدی این کشور مسلط شده اند.^{۱۱۶} با حربه هولوکاست مخالفان یهودیان و ناقدان آنان سرکوب شدند و چنان که فینکلشتاین معترف است پس از جنگ جهانی دوم، یهودیان در امریکا به سرعت رشد کردند و دیگر مانعی برای رسیدن آنان به جایگاه برجسته کنونی شان در امریکا باقی نماند.^{۱۱۷}

توجیه تشکیل رژیم صهیونیستی به بهانه حق حیات یهودیان: مطابق داستان هولوکاست، گویی همه جهانیان (غیریهود) برای از میان بردن قوم یهود با هم تباری کرده یا لااقل به این امر رضایت داده بودند و از این رو یهودیان نیازمند داشتن محلی برای زندگی مستقل و موطنی ملی هستند که در آن حق حیات یهود تهدید نشود و احتمال کشتار آنها در میان نباشد.

صهیونیستها چنان نمایش می دهند که تشکیل دولت یهود در سرزمینهای اشغالی تنها راه قطعی برای جلوگیری از تکرار هولوکاست است و از این طریق برای تشکیل این رژیم در سرزمین مسلمانان توجیهی (غیرمنطقی) ایجاد می شود و به این ترتیب رژیم صهیونیستی ناجی یهودیان جلوه داده می شود.

توجیه سیاستهای رژیم صهیونیستی: پیش از این به ادعای یهودیان در مورد منحصر به فرد بودن رنج یهودیان و صدماتی که آنها از هولوکاست دیده اند اشاره کردیم.^{۱۱۸} از این طریق رژیم صهیونیستی هرگونه انتقادی به سیاستهای ظالمانه خود در برابر فلسطینیان را نادیده می گیرد و در تبلیغاتش چنین می نماید که کشتار ادعایی یهودیان در هولوکاست که هیچ چیز با آن قابل قیاس نیست، هرگونه ادعایی در مورد مظالم یهود را بی اثر می کند.

یک نمونه سوءاستفاده از افسانه هولوکاست، مقاله آری شایویت^{۱۱۹} در نشریه هآرتز به هنگام حملات اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۹۶ و قتل عامهای صورت گرفته در قانا است. او می نویسد: «اسرائیل می تواند بدون ترس از هر گونه مجازات دست به هر عملیاتی بزند زیرا ما

هولوکاست برای رژیم صهیونیستی، ناامن نشان دادن جهان برای یهودیان و اسرائیل با تبلیغ هولوکاست و در نتیجه توجیه عدم پایبندی خود به پیمانهای بین المللی است.

هولوکاست بهانه ای است برای رژیم صهیونیستی تا به راحتی همه معاهدات بین المللی را نادیده بگیرد و به همه کنوانسیونهای بین المللی پشت پا بزند و حتی به قطع نامه های سازمان ملل و شورای امنیت بی توجهی نشان دهد. از سوی دیگر هولوکاست برای حامیان اسرائیل هم فرصت حمایت و عدم فشار بر آن و توجیه بی عملی را فراهم آورده است.

هم اکنون رژیم صهیونیستی ناقض بسیاری از معاهدات و تعهدات بین المللی شناخته می شود و نیز از پیوستن به بسیاری از معاهدات و تعهدات بین المللی مانند NPT، CBW و... سر باز می زند؛ با این توجیه که این معاهدات و تعهدات، امنیت اسرائیل و یهود را به خطر می اندازد؛ امنیتی که به خطر افتادن آن می تواند به معنی تکرار هولوکاست باشد.

منافع هولوکاست برای صهیونیسم بین الملل

اکنون نوبت به بیان منافع ویژه صهیونیسم بین الملل از افسانه هولوکاست است. به عبارت بهتر تقسیم بندیهای این مقاله در مورد منافع هولوکاست برای فهم بهتر جوانب موضوع است. از این رو در بسیاری از موارد شاهد هم پوشانی این تقسیم بندیها هستیم. اما سه فایده اصلی صهیونیسم بین الملل از صحنه سازیها در مورد هولوکاست عبارت است از:

جلوگیری از ادغام جوامع یهودی در جوامع دیگر: یهود همواره کوشیده است تا جدا از جوامع پیرامونی خود زندگی کند و صهیونیسم بین الملل نیز از این امر سود می برد. به نظر می رسد که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ روندی از حل شدن و ادغام جوامع یهودی اروپا در میان مردم مسیحی این قاره آغاز شده بود که صحنه سازی هولوکاست باعث شد تا یک بار دیگر بیگانه ترسی در میان جوامع یهودی اوج گیرد و رهبران صهیونیسم از آن بهره ببرند.

ایجاد هویت مشترک یهودی: سالها زندگی اقوام مختلف یهودی در اروپا و دیگر قاره ها باعث شده است که یهودیت به عنوان قومیت و هویتی مشترک به امری موهوم بدل گردد. چرا که تفاوتهای فرهنگی و عدم وجود حداقلی از اشتراک در فرهنگ این اقوام زمینه ای برای یک هویت مشترک برای آنها باقی نگذاشت. اکنون هولوکاست قرار است این هویت مشترک را ایجاد کند.

جابه جایی مرکزیت یهود از اروپا به امریکا: یهودیان همواره کوشیده اند تا در مهم ترین مراکز قدرت دنیا حضور داشته باشند و با داشتن اقلیتی مهم و تأثیرگذار ساختار جهانی قدرت را متأثر از خویش سازند. اروپا در پایان جنگ جهانی دوم به پایان دوران اقتدار بین المللی خود رسید و جهان اروپامحور به جهان دیگری بدل شد.

انجمن ضدافترا، یاد و اشام و موزه هولوکاست را در اختیار داریم.» (نوآم چامسکی، ص ۲۹۳)

شباهت سازی میان مسلمانان و اعراب از یک سو و آلمان هیتلری از سوی دیگر

رژیم صهیونیستی با تأکید بر واقعی جلوه دادن هولوکاست می کوشد تا فلسطینیان و اعراب مسلمان را به عاملان هولوکاست تشبیه کند و برای یهودیان و افکار عمومی بین المللی میان آنها شباهت سازی نماید. از این رو رهبران رژیم صهیونیستی به رهبران جهان عرب عنوان پیروان سیاسی هیتلر می دهند.^{۱۲۰}

نیز رهبران رژیم صهیونیستی تأکید دارند که بزرگداشت هولوکاست باید به نحوی صورت گیرد که همگان را به این نتیجه برساند که شباهتهای بسیاری میان نقشه های نازیها برای نابودی یهودیان و دشمنی اعراب با اسرائیل وجود دارد.^{۱۲۱}

نتیجه گیری

هولوکاست، صنعتی پرسود برای یهودیان و صهیونیستها شده است؛ صنعتی که مبنای آن بر دروغ و بافته های غیرقابل قبول بنا شده است و از طریق تبلیغات به آن دامن زده می شود و با قدرت سرکوبگر دستگاههای قضایی از آن حمایت می شود. سود هولوکاست چنان چشم گیر بوده است که گاه غیریهودیانی نیز به وسوسه افتاده اند تا از این میان نفعی ببرند و کسانی چون ویلکومیرسکی نیز که اصالتاً یهودی نبوده زندانهای آلمان را هم ندیده، نقش یهودیان قربانی و بازمانده آلمان هیتلری را بازی می کند.

فهرست منابع

کتابها:

۱. المسیری، عبدالوهاب، موسوعه اليهود و اليهودیه و الصهیونیه.
۲. فینکلشتاین، نورمن جی. صنعت یهودی سوزی، سوسن سلیم زاده، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱.
۳. نسخه بین المللی روزنامه جورازللم پست، ۵ می ۱۹۹۰، ص ۶.
۴. دوک، دیوید، بیداری من؛ ناگفته هایی از نفوذ یهود در امریکا، مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، قم، تابستان ۱۳۸۴.
۵. شهبازی، عبدالله، اسطوره ها و بنیانهای اندیشه سیاسی یهود، پژوهش صهیونیت، کتاب دوم، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، صص ۴۹۶ - ۴۳۳.

۶. همو، صهیونیسم و جنبش روشنگری یهود، ۲۴ و ۲۷ دی و ۱ و ۴ بهمن ۱۳۷۷، روزنامه همشهری.

A Certain people: American Jews and Their lives Today

Chamsky, Noam, World orders Old and New (New York:1996).

Daniel Janah Coldhagen, Hitler's Willing Executioners, (New York: 1995).

Goldhagen, Daniel Janah, Hitler's Willing Executioners, (New York: 1995).

Graf, Jurgen, & Matogno, Carlo, Concentration Camp Majdanec, a Historical and Technical Study, p. 247.

Heddesceimer, Don, The first Holocaust, Jewish fund Raising Campaigns with Holocaust Claims During and After World War, Castle Hill Publishers, (Chicago: 2004) Landau, Ronnie S., Studying the Holocaust: Issues, Readings, and Documents: Routledge, London & New York, 1998.

Levi, Neil & Rothberg, Michael (ed.), the Holocaust: theoretical Readings, Edinburgh University press Ltd, 2003.

Matogno, Carlo, Auschwitz, the First Gassing, rumor and Reality, Translated by Henry Gardner, Castle Hill Publishers, 2005.

Matogno, Carlo & Thion, Serge, Auschwitz: Plain Facts, A Response to Manfred Jean-Claude Pressac, With Contribution by Prof. Dr. Robert Faurisson, Kohler, and a preface by Ernst Gauss.

Neusner, Jacob, (ed.), Judaism in Cold War America, 1945-1990.

Pressac, Jean-Claude, Auschwitz: Technique and operation of the gas chambers, The Beate Klarsfeld Foundation, 1989.

Rudolf, Germar, Lectures on Holocaust: Controversial Issues Cross Examined: et all Holocaust Handbooks Series, vol. 15: Translated by Regina Belser and . Castle Hill Publishers, 2005.

Sagi, German Reparations.

Wiesel, Against Silence, selected and edited by Irving Abrahamson (New York: 1984).

Zweig, German Reparations and The Jewish World.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقالات:

The Holocaust Controversy: The Case For Open Debate: The Contemporary Issue: Castle Hill Publishers: WWW.vho.org.

Introduction to Historical Revisionism: Castle Hill Publishers: WWW.vho.org.

Holocaust Movie Shoah Exposed as Propaganda, About the Shoah-Interview With the alleged Treblinka SS-Man Franz Suchomel, Jean-Francois Beaulieu, The Revisionist. 2003. Volume 1. No. 2. pp. 166-176.

No Holes, No Gas Chamber(s): A Historical-Technical Study of the Holes in the Roof of Morgue 1 of Krematorium II at Birkenau for Introducing Zyklon B: Carlo Mattogno: The Revisionist, 2004, Volume 2, No.4; pp 387-410.

Holocaust Remembrance: What's Behind the Campaign? Mark Weber, Institute for Historical Review, WWW.Ihr.org.

<http://.ihr.org/other/swcpower.html>.

Burt Neuborne, "Totaling the Sum of Swiss Guilt", New York Times (24 June 1998)

پانوشتها:

۱- الی ویزل (Eli Wiesel) از مشهورترین حامیان و تبلیغات چنان هولوکاست، در تفسیری به هولوکاست، جنبه‌های اغراق آمیز معنوی می‌دهد و از آن به عنوان «راز همه رازها» یاد می‌کند؛ اما به جهت تناسب این استعاره برای سودهایی که یهودیان از افسانه‌سازی در مورد هولوکاست می‌برند، این نام را از او به عاریت گرفته‌ام - نویسنده.

2- Majdanec.

3- Concentration Camp Majdanec, a Historical and Technical Study, Jurgen Graf & Carlo Mattogno, P. 247.

۴- البته برخی از حامیان هولوکاست سعی در جدی جلوه دادن این چهره‌سازی ساده شده دارند که هولوکاست «کشتار برنامه ریزی شده شش میلیون یهودی توسط آلمان نازی و متحدین این کشور بوده است.» (رک: Neil Levi, & (3. Michael Rothberg, (ed), The Holocaust: theoretical Readings, Edinburgh University Press Ltd, 2003.

5- Anti Semitism:

اصطلاح یهودستیزی اولین بار توسط ویلهلم مار (۱۹۰۴ - ۱۸۱۸) که خود یک یهودی آلمانی بود در کتاب پیروزی یهودیت بر آلمان (۱۸۷۹) به کار رفت، اما در طول تاریخ، یهودیان از این حربه برای مظلوم‌نمایی و کسب سود استفاده می‌کرده‌اند. (موسوعه اليهود و الصهيونیه، دکتر عبدالوهاب المسیری، جلد ۲، صص ۳۳۵ - ۳۳۳).

۶- حامیان هولوکاست همواره می‌کوشند تا یهودستیزی را هم‌ردیف و در کنار واژه و اصطلاح کشتار جمعی و نسل‌کشی

راز همه رازها

(Genocide) به کار ببرند به گونه‌ای که گویی هولوکاست نمونه برتر کشتار جمعی و بهترین سرفصل برای مطرح کردن مسائل مربوط به نژادپرستی و کشتار جمعی است. (به عنوان نمونه مراجعه کنید به: "Studying the Holocaust: Issues, Readings, and Documents", Ronnie S. Landau, Routledge, London & New York, 1998. این در حالی است که صهیونیستهای حامی هولوکاست خود به شدت گرایشهای نژادپرستانه دارند و خود بهترین نمونه از نژادپرستی‌اند و اعمال آنها در فلسطین وحشیانه‌ترین نمونه کشتار جمعی و نسل‌کشی است.

7- Historical Revisionism:

از این رو این مکتب به مکتب بازنگری تاریخی یا تجدیدنظرطلبی نیز تعبیر شده است، اما به نظر می‌رسد که بهترین تعبیر در زبان فارسی که با ارزش‌گذاریهای ناخواسته کلامی و فرهنگی ما نیز سازگار باشد، تعبیر مذکور است.

8- Hitler's Willing Executioners, Daniel Janah Goldhagen, (New York: 1995), pp. 34-35.

9- Ghetto.

10- The Holocaust Controversy: The Case For Open Debate: The Contemporary Issue: Castle Hill Publishers: WWW.vho.org, p. 1.

شایان ذکر است که این مقاله تحت عنوان بحثی آزاد در مورد هولوکاست، نوشته گروهی از محققان تاریخ حقیقی، توسط نویسنده همین مقاله ترجمه شده، بزودی در ماهنامه سیاحت غرب منتشر خواهد شد.

۱۱- به عنوان مثال در فیلم «حمله نازیها» (The Nazis Strike)، ساخته فرانک کاپرا (Frank Capra) که دومین فیلم از مجموعه فیلمهای اینفورمیشن فیلمز (Information Films) می‌باشد و با عنوان کلی «چرا می‌جنگیم؟» (Why We Fight?) در مجموعه‌ای هفت بخشی منتشر شده بود، گوینده فیلم در اولین جمله متن (نریشن) فیلم، تعداد کشته شدگان یهودی در جنگ جهانی دوم را بیست میلیون نفر اعلام می‌کند. این امر هنگامی بیشتر جلب توجه می‌کند که بدانیم تولید کننده این سری فیلمها «سرویس خدمات ویژه» متعلق به «اداره جنگ» سازمان (SOS) ایالات متحده بوده است، که بعدها سیا (CIA) جانشین این سازمان شد. نکته قابل توجه دیگر آنکه این فیلم در سال ۱۹۴۳ از سوی مقامات امریکایی سفارش داده شده و ساخته شده است. بنابراین اگر در طول جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۴۳، بیست میلیون یهودی کشته شده‌اند، تا پایان جنگ در سال ۱۹۴۵، احتمالاً این تعداد باید چندین برابر می‌شده است.

۱۲- Auschwitz مهم‌ترین اردوگاه مورد ادعا در مورد یهودی سوزی که در لهستان قرار دارد و اکنون به موزه ملی آشویتس تبدیل شده است.

13- Night and Fog (Nuit et Brouillard):

در فیلم تأثیرگذار شب و مه، تعداد یهودیان کشته شده در آشویتس نه میلیون نفر ذکر می‌شود. در دادگاه نورمبرگ سند شماره URSS-008 که به عنوان سند معتبر و موثق از آن نام برده شده است، تعداد کشته شدگان چهار میلیون نفر ذکر می‌شود، تا ماه آوریل ۱۹۹۰ همین عدد در نوزده تابلوی بزرگ نصب شده در ورودی اردوگاه بیرکناو (Birkenau) در نزدیکی آشویتس که اکنون به یک موزه تبدیل شده است به نوزده زبان مختلف ذکر شده بود. در این ماه مسئولان موزه آشویتس محتاطانه این نوزده تابلو را برداشتند و به جای آنها عدد ۱/۵ میلیون را جایگزین کردند. پس از آن یکی از محققان فرانسوی حامی هولوکاست، فرانسوا بداریدا (Francois Bedarida) این تعداد را ۹۵۰ هزار نفر تخمین زد. در حال حاضر ژان کلود پرساک (Jean - Claude Pressac) از محققان مشهور حامی هولوکاست این تعداد را ۷۷۵ هزار نفر برآورد کرده است که آن را به هشتصد هزار نفر گرد می‌کنند که از این میان ۶۳۰ هزار نفر باروش گاز کشته شده‌اند.

ر.ک:

AUSCHWITZ: Technique and operation of the gas chambers, Jean- Claude Pressac, The Beate

28- Yehuda Bauer.

۲۹- نسخه بین‌المللی روزنامه جوراژلم پست، ۵ می ۱۹۹۰، ص ۶.

30- Life is Beautifull.

31- Introduction to Historical Revisionism: Castle Hill Publishers: WWW. who.org:p. 10.

این مقاله تحت عنوان، تجدیدنظر طلبی در هولوکاست، نوشته گروهی از محققان تاریخ حقیقی، توسط نویسنده همین مقاله ترجمه شده، بزودی در ماهنامه سیاحت غرب منتشر خواهد شد.

32- Introduction to Historical Revisionism:p.20.

۳۳- صنعت یهودی سوزی، ص ۵۶.

34- Ronnie S.Landau.

35- The Power of Indifference.

36- "Studying the Holocaust: Issues, Readings, and Documents", Ronnie S. Landau, Routledge, London & New York, 1998, p. 43.

37- Ian Kershaw.

38- "Studying the Holocaust, Issues, Readings, and Documents", p. 135.

۳۹- صنعت یهودی سوزی، ص ۴۹.

40- Jacob, Neusner, (ed.) Judaism in Cold War America, 1945-1990, p vil.

41- Ibid, p. 7.

۴۲- صنعت یهودی سوزی، ص ۸۳.

43- Mark Weber.

44- Holocaust Remembrance: What's Behind the Campaign? Mark Weber, Institute for Historical Review, WWW. Ihr.org:p.8.

این مقاله تحت عنوان پشت پرده بزرگداشت هولوکاست، از سوی همین نویسنده ترجمه شده و بزودی در ماه نامه سیاحت غرب منتشر خواهد شد.

45- Ibid, p.9.

46- Abraham Foxman.

47- Ibid, p. 10.

48 - The Holocaust Controversy: p.7.

49- Ibid.

۵۰- به عنوان مثال محققان با بررسی میزان کُک مصرف شده در آشویتس و میزان سوخت مصرف شده در این اردوگاه (بر اساس اسناد موجود) و نیز تعداد و ظرفیت کوره‌های موجود و شعله آنها و گودالهای دفن نشان داده‌اند که ارقام ادعایی حامیان هولوکاست دروغ است و چنین ارقامی اصولاً غیرممکن بوده است. (Auschwitz: Plain Facts, pp. 131-137).

۵۱- کارلو ماتوینو از محققان مکتب تاریخ حقیقی و از مشهورترین منتقدان هولوکاست که در این زمینه آثار فراوانی دارد، در کتاب بررسی اولین گازدهی در آشویتس (Auschwitz, The First Gassing) نشان می‌دهد که به عنوان مثال در مورد چگونگی صورت گرفتن اولین مورد کشتار با گاز مورد ادعای یهودیان، شهادتهای موجود در این زمینه با هم تعارض و ناهم‌خوانی دارند: در مورد محل اولین گازدهی و کشتار با گاز، در مورد مدت زمان اولین کشتار با گاز، در مورد تاریخ

Klarsfeld Foundation, 1989, p. 148.

این در حالی است که عدد واقعی برای همه یهودیان و غیریهودیان کشته شده، به علاوه همه آنها که در این اردوگاه در اثر بیماری و بمباران و... جان داده‌اند، کمتر از ۱۵۰ هزار نفر است که اکثر آنها در اثر بیماری و حوادث طبیعی مانند امراض واگیردار جان داده‌اند. ر.ک:

Auschwitz, Plain Facts, A Response to Jean - Claude Pressac, With Contribution by Prof. Dr. Robert Faurisson, Manfred K_hler, Carlo Mattogno, Serge Thion, and p preface by Ernest Gauss, p. 63.

۱۴- رادولف هس (فرمانده اردوگاه آشویتس در دادگاه نورمبرگ مجبور به اعترافی تعجب برانگیز شد؛ او به اجبار اعتراف کرد که در این اردوگاه پنج میلیون و دویست هزار یهودی را با گاز کشته است؛ اما حامیان هولوکاست از یک سو اعترافات هس را دلیلی قطعی بر هولوکاست معرفی می‌کنند اما از سوی دیگر رقم اعتراف اجباری هس را ذکر نمی‌کنند. برای اطلاع بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به: بیداری من؛ ناگفته‌هایی از نفوذ یهود در امریکا، دیوید دوک، مؤسسه اطلاع‌رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، قم، تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۹۵).

۱۵- البته باید توجه داشت که از جمله اولین ادعاهای یهودیان در دوران جنگ جهانی دوم و پس از آن همین عدد شش میلیون بوده است اما با کمال تعجب شاهد آن هستیم که ادعاهای آنان در مورد اردوگاهها و کشتارهای صورت گرفته در آنها همواره بسیار بیشتر از شش میلیون بوده است.

16- Auschwitz: Plain Facts, A Response to Jean - Claude Pressac, With Contribution by Prof. Dr. Robert Faurisson, Manfred K_hler, Carlo Mattogno, Serge Thion, and a preface by Ernest Gauss, p. 63.

17- The Holocaust Controversy: p.11.

18- Holocaust Movie Shoah Exposed ad Propaganda, About the Shoa - Interview with the alleged Treblinka SS - Man Franz Suchomel, Jean-Francois Beaulieu, The Revisionist, 2003. Volume 1. No. 2, pp. 171-172.

19- Treblinka.

20- Belzek.

21- "No Holes, No Gas Chamber(s)*: A Historical-Technical Study of the Holes in the Roof of Morgue 1 OF Krematorium II at Birkenau for Introducing Zyklon B: Carlo Mattogno: The Revisionist, 2004, Volume 2, No. 4: pp 387-410.

22- Holocaust Movie Shoah Exposed as Propaganda, p. 171.

23- Holocaust Industry.

24- The conference of Jewish Material Claims.

۲۵- فینکلشتاین، نورمن ج. صنعت یهودی سوزی، سوسن سلیم‌زاده، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.

۲۶- ادعا این بود که آلمانیها از چربی اجساد قربانیان یهودی در اردوگاهها چنین صابونهایی می‌ساختند. دادگاه نورمبرگ بی‌آنکه دستور آزمایش و آنالیز شیمیایی این صابون را صادر کند، آن را تأیید کرد. سر هارتلی شوکراس، نماینده انگلیس، در لایحه خود به دادگاه مدعی شد که از اجساد قربانیان برای جبران کمبود صابون استفاده شده است و قضات دادگاه نیز در بیانیه خود آن را تأیید کردند. (برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به: بیداری من، دیوید دیوک، ص ۳۰۱).

27- The Holocaust Controversy: p. 9.



۷۶- صنعت یهودی سوزی، ص ۱۴۳.

۷۷- صنعت یهودی سوزی، ص ۴۰.

78- Charles Silberman.

79- A certain people: American Jews and Their lives Today.

80- Holocaust Remembrance: p.10.

81- Ibid.

82- Tom Sigiue.

83- Holocaust Remembrance: p. 6.

84- Yehuda Bauer.

85- Ibid. p.3.

86- Tim Cole.

87- Holocaust Remembrance: p.6.

88- Peter Novick.

89- Holocaust Remembrance: p.4.

90- Holocaust Remembrance: pp. 7-8.

91- Holocaust Remembrance: p. 5.

92- "Lectures on Holocaust: Controversial Issues Cross Examined", Germar Rudolf, Holocaust Handbooks Series, vol. 15: Translated by Regina Belsler and et. Castle Hill Publishers, 2005: p.10.

93- Holocaust Remembrance: p.10.

94- "Lectures on Holocaust: Controversial Issues Cross Examined", p.10.

۹۵- هر چند ما مسلمانان این اعتقادات را تحریفات می دانیم که بعدها در مکتب آسمانی عیسی (ع) وارد شد، اما غرب فعلی در بعد معنوی و مذهبی خود شدیداً متأثر از این تحریف است.

96- Amira Hass.

97- Holocaust Remembrance: p.7.

98- Introduction to Historical Revisionism:p.28.

۹۹- صنعت یهودی سوزی، ص ۱۹.

100- Ibid. p.67.

101- Holocaust Remembrance: p.2.

102- Holocaust Remembrance: p.2.

103- The Painted Bird.

104- Jerzu Kosinsky.

۱۰۵- به عنوان نمونه مطابق برسیهای صورت گرفته توسط نویسنده (به مدد دوست محقق و پژوهشگر گرامی جناب آقای غلامرضا رفعت نژاد)، مشخص شد که تاکنون بیش از ۱۰۴۳ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاههای غرب در زمینه هولوکاست صورت گرفته است؛ که همه آنها در حمایت از هولوکاست می باشد و بخش زیادی از آنها در مورد شیوه آموزش هولوکاست و تبلیغ آن می باشد.

اولین کشتار با گاز، در مورد ساعت اولین کشتار با گاز، در مورد آمادسازیهای صورت گرفته برای اولین کشتار با گاز، در مورد حضور و نحوه حضور پزشکان در اولین کشتار با گاز، در مورد ماهیت و قومیت قربانیان اولین کشتار با گاز، در مورد تعداد قربانیان اولین کشتار با گاز، در مورد کسانی که اجساد را از اتاق گاز بیرون آوردند، در مورد زمان شروع خارج کردن اجساد از اتاق گاز، در مورد مدت زمانی که خارج کردن اجساد به طول انجامیده است، در مورد سرنوشت نهایی اجساد در اولین کشتار با گاز، در مورد تکنیک و روش گازدهی و کشتار با گاز، در مورد مدت زمانی که قربانیان پیش از خفگی با گاز زجر کشیده اند، در مورد تعداد قوطیهای زیکلون B که برای کشتار در بار اول استفاده شد. (First Gassing, p.83.) (Auschwitz The) بنا بر این هنگامی که این شاهدان به ظاهر عینی، در مورد تقریباً همه جنبه های امری که به دیدن شخصی آن شهادت داده اند با هم اختلاف و تعارض دارند چگونه می توان پذیرفت که چنین شهادتهایی مبنای پذیرش هولوکاست قرار گیرند.

52- Arnold Friedman.

53- The Holocaust Controversy: p.11.

54- Benjamin Wilkomirski.

55- Fragments.

۵۶- صنعت یهودی سوزی، ص ۶۵.

57- The Holocaust Controversy: p.14.

58- Don Heddeshheimer.

59- The First Holocaust.

60- The First Holocaust, Don Heddeshheimer, Jewish Fund Raising Campaigns With Holocaust Claims During And After World War One, Theses & dissertations Press, Chicago, October 2003, pp. 93-101.

61- Lectures on Holocaust: p. 44.

62- Introduction to Historical Revisionism: p. 20.

۶۳- صنعت یهودی سوزی، ص ۹۶.

64- Israel Singer.

65- Marvin Hier.

66- Simon Wiesenthal.

67- Ibid. p. 103.

۶۸- تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی تعداد این پرونده ها در حدود پنج میلیون بوده است، که اکنون به بیش از ۵/۵ میلیون بالغ شده است. (Lectures on Holocaust:p.44)

69- Introduction to Historical Revisionism:p.20.

۷۰- صنعت یهودی سوزی، ص ۹۳.

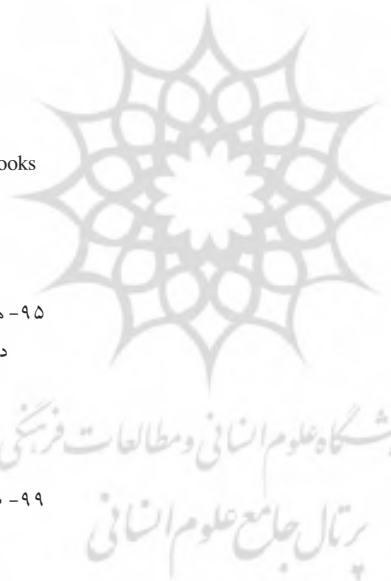
71- Ibid.

۷۲- صنعت یهودی سوزی، ص ۹۵.

73- Edgar Bronfman.

74- Burt Neuborne, "Totaling the Sum of Swiss Guilt", New York Times (24 June 1998).

۷۵- صنعت یهودی سوزی، ص ۱۳۰.



۱۰۶- صنعت یهودی سوزی، ص ۷۱.

107- Lectures Holocaust: Controversial Issues Cross Examined.p.9.

108- Mall.

109- Malvin Jules Bulkiet.

110- Holocaust Remembrance: p.4.

۱۱۱- صنعت یهودی سوزی، ص ۶۱.

۱۱۲- صنعت یهودی سوزی، ص ۱۴.

۱۱۳- همان، ص ۵۸.

114- Ligue Internationale Contre le Racisme et l'Antisemitisme (LICRA) (International League against Racism and Anti-Semitism):

اتحادیه بین‌المللی مبارزه با نژادپرستی و یهودستیزی (لیکرا) که در سال ۱۹۲۷ توسط یک ژورنالیست یهودی با نام Bernard Leache تأسیس شد یکی از مشهورترین لایبها و سازمانهای یهودی در فرانسه است که با استفاده از قدرت خود توانسته است به جایگاهی قابل توجه در فرانسه دست یابد. اکنون در فرانسه هر کس که از سوی این سازمان به عنوان نژادپرست متهم گردد از سوی مقامات قضایی این کشور به عنوان مجرم تحت تعقیب قرار می‌گیرد. جای آن دارد که در مقاله مجزایی به بررسی جایگاه چنین دستگاهها و سازمانهای غیردولتی یهودی در کشورهای مختلف جهان بپردازیم. سازمانهایی از قبیل لیکرا و سازمان حقوق بشر در کانادا به ظاهر غیردولتی هستند اما با زد و بند با دستگاه قضایی این کشورها، جایگاه تعیین کننده‌ای در مورد حقوق بشر و نقض آن و... به دست آورده‌اند. این شیوه از سوءاستفاده و سلطه‌یابی، نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.

115- Simon Wiesenthal.

مرکز سیمون ویزنتال که به نام یک مهندس یهودی اتریشی الاصل و مدعی بازماندگی از هولوکاست نام گذاری شده است در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد. ویزنتال (۲۰۰۵ - ۱۹۰۸ م) از جمله حامیان معروف هولوکاست بود و مرکز او در مبارزه با محققانی که در مورد هولوکاست تحقیق می‌کنند، پیشتاز است. ویزنتال به دلیل مبارزه سرسختانه‌ای که به ظاهر در دفاع از هولوکاست و مبارزه با نازیها (و در حقیقت در تلاش برای افزایش قدرت یهودیان در جهان) انجام داده از سوی دولتهای انگلیس، آمریکا، فرانسه، آلمان و... نشانهایی دریافت نموده است. مرکز سیمون ویزنتال به همراه آیپاک و انجمن ضدافترا سه ضلع مثلث اصلی گروههای لابی‌گری یهودی در آمریکا را تشکیل می‌دهند. نورمن فینکلشتاین موخ و منتقد مشهور یهودی که خود از حامیان هولوکاست است مرکز ویزنتال و شخص او را چنین می‌خواند: گروهی جنایتکار عاری از احساسات و کلاه برداران هرزه‌ای که حتی برای یک دلار دست به هر عملی می‌زنند. (<http://.ihr.org/other/swcpower.html>)

۱۱۶- برای آشنایی با بخشی از این سلطه مراجعه کنید به کتاب: بیداری من؛ ناگفته‌هایی از نفوذ یهود در آمریکا، اثر دیوید دوک و منتشر شده از سوی مؤسسه اطلاع‌رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، قم، تابستان ۱۳۸۴.

۱۱۷- صنعت یهودی سوزی، ص ۳۸. موج مهاجرت یهودیان به آمریکا که در جنگ جهانی دوم به موفقیت نهایی خود دست یافت از سوی عبدالله شهبازی مورخ مشهور ایرانی در مصاحبه با روزنامه همشهری زیر عنوان «صهیونیسم و جنبش روشنگری یهود» در تاریخهای ۲۴ و ۲۷ دی و ۱ و ۴ بهمن ۱۳۷۷ مورد تحلیل قرار گرفته است. شهبازی در این مصاحبه بیان می‌دارد که الیگارشی یهود برای تثبیت اقتدار سیاسی خود در آمریکا نیازمند یک جمعیت انبوه بود و از این رو برای مهاجرت یهودیان اروپا و اروپای شرقی به آمریکا برنامه‌ریزی می‌شد. همین نویسنده در مقاله «اسطوره‌ها و بنیان‌های

راز همه رازها

اندیشه سیاسی یهود» که در پژوهش صهیونیت، کتاب دوم، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، صص ۴۳۳ - ۴۹۶ منتشر شده است اسطوره هولوکاست را در کنار اشغال ایالات متحده از سوی یهودیان قرار می‌دهد و می‌نویسد:

«ششمین اسطوره سازنده صهیونیسم، یعنی هولوکاست، موج مهاجرت فوق را تکمیل کرد. این موج مهاجرت که با جنگ جهانی دوم تکمیل شد، واقعاً به معنای اشغال کشور آمریکا بود.»

118- Introduction to Historical Revisionism:p.16.

119- Ari Shavit.

۱۲۰- صنعت یهودی سوزی، ص ۳۱.

121- Ibid. pp. 67-68.

